

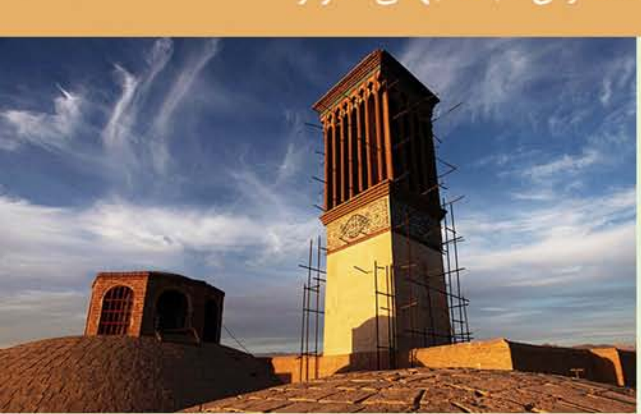
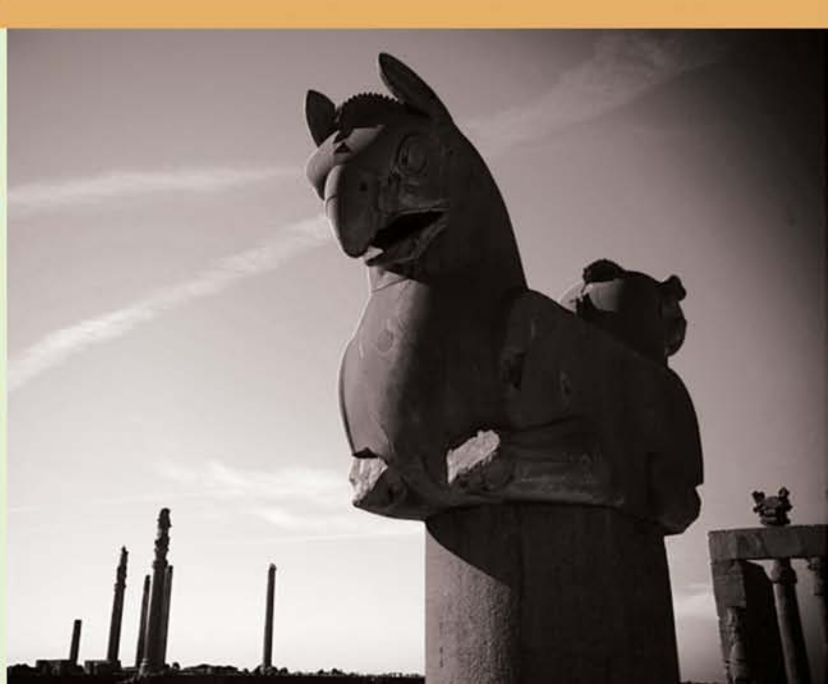


رحلة مع الفارسيّة

۲

سفری با زبان فارسی

به سفارش شبکه جهانی الکوثر

تألیف: دکتر مسعود فکری

با همکاری: سید علی ابوطالبی

بسم الله الرحمن الرحیم



تألیف:

دکتر مسعود فکری

با همکاری: سید علی ابوطالبی



سرشناسه: فکری، مسعود، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدید آورنده: /
مشخصات نشر: تهران: ،
مشخصات ظاهری: ص.
شابک:
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
یادداشت: .
موضوع:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

الکوثر

ناشر:
تألیف: دکتر مسعود فکری
طراحی جلد و صفحات: مهدی صادقی
تاریخ نشر:
شمارگان:
چاپخانه:
آدرس:
کد پستی:
تلفن:

فهرست

عنوان | صفحه

مقدمه

بی گمان زبان فارسی در جهان اسلام و در جوامع اسلامی پس از زبان عربی دارای جایگاه ویژه و برجسته ای است و این امر به عناصر مهمی مرتبط با این زبان بر می گردد.

نخست آنکه فارسی زبانان و ایرانیان، نخستین مردمانی بودند که پس از مردمان جزیرة العرب به اسلام روی آورده و پذیرای آن شدند و پیوستن این مردمان که بیش از آنکه تحت تأثیر ترس از شمشیر و قدرت مسلمانان مهاجم باشد از روی علاقه مندی و اشتیاق به محتوای حیات بخش دین اسلام بود، بر شوکت و شکوه و عظمت اسلام افزود و زبان و فرهنگ این یاوران جدید جامعه اسلامی مورد توجه دیگر مسلمانان قرار گرفت.

دیگر آنکه ایرانیان نقش مهمی در تولید علم و معرفت و دانش های گوناگون داشته میراث ارزشمند فرهنگ اسلامی تا حد زیادی مرهون تلاشهای عالمان و اندیشمندان ایرانی تبار است که زبان فارسی زبان مادری و بومی آنان محسوب می شده اگر چه بسیاری از آنان زبان تازی را نیز به خوبی می دانسته و بکار می برده اند، اما جوشش عرفان در آثار مولوی و سنایی و حافظ و سعدی و دیگران و تجلی حکمت و خردورزی در دانشنامه علایی سینوی و کتابهای مختلف در تفسیر و اخلاق و تاریخ و مانند آن تأثیر عمیق ایرانیان را در شکل گیری این فرهنگ نمایان می سازد، تا آنجا که بسیاری از صاحبان کتب حدیث و تفسیر و ادبیات ایرانی الاصل و طبعاً آشنا و مرتبط با زبان فارسی بوده اند.

همچنین آمیختگی زبان فارسی با زبان عربی و تبادل واژگان و معنایی میان آنها، اشتراک حروف و کلمات فراوان آن دو سبب گشته که این دو زبان همچون دو عضو از یک خانواده زبانی قرار گیرند و زبان فارسی بدون زبان عربی ماهیت کاربردی امروزی خود را از دست بدهد.

بر عناصر پیش گفته نقش برجسته تمدنی و پیشگامی ایرانیان در عرصه جهانی و منطقه ای بویژه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را باید افزود، زیرا امروز توجه جهان بویژه جهان اسلام به ایران به عنوان الگویی برجسته از جهت استقلال آزادی، پیشرفت و قرار گرفتن در صف مبارزه با قدرت های سلطه طلب به شدت افزایش یافته و به همین دلیل علاقه مندان فراوانی برای پی گیری حوادث و مسائل کشورمان دراقصی نقاط جهان اسلام و عرب یافت می شود.

انگیزه های اشاره شده همگی به علاقه مندی فراگیری زبان فارسی بعنوان ورودگاه آشنایی با فرهنگ ، تمدن ادبیات و دیگر عرصه های ایرانی منجر شده به همین جهت مشتاقان زیادی با برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی ایرانی در خارج از کشور و دوره های آموزش حضوری و مجازی در داخل کشور و استفاده از منابع تولید شده در این راستا، در جهت برآوردن این نیاز و خواسته خود برآیند.

هر چند باید اذعان داشت که هنوز کار منسجم و گسترده و مبتنی بر سطوح و تنوع نیاز به آموزش زبان فارسی برای فارسی آموزان صورت نگرفته است. با وجود تلاشهای فراوانی که برخی استادان و مؤلفان در این زمینه به انجام رسانده اند اما وجود بسته های آموزشی کامل که تمامی بخش های مهارتی را بر اساس مدلهای آموزش زبان امروزی دربر گرفته و از تنوّع کافی به تناسب فراگیرندگان که زبانهای مادری آنها غربی و شرقی است، برخوردار باشد،در دسترس نیست. همچنین توزیع و رساندن همین مواد آموزشی موجود در سطح کشور برای استفاده علاقه مندان به خوبی انجام نمی گیرد. علاوه بر این بهره گیری چندانی از رسانه های تصویری در قالب کانال های ماهواره ای که برای مخاطبان بسیاری در جای جای جهان قابل دریافت است، برای آموزشی فارسی به غیر فارسی زبانان صورت نمی پذیرد. در همین راستا شبکه جهانی الکوثر که شبکه عربی زبان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است، در صدد تولید برنامه آموزشی زبان فارسی برآمده و حاصل آن برنامه ای با نام «سفری با زبان فارسی» است که مخاطب آن عرب زبانان علاقه مند به یادگیری زبان می باشند. این برنامه کوشیده است در قالب مجموعه ای سرگرم کننده غیر مستقیم به آموزش زبان فارسی بپردازد، هر چند بخش هایی از آن نیز شکل و قالب آموزش به خود گرفته است. در این خصوص نباید تنگناهای موجود بر سر راه جمع بین برنامه آموزشی و برنامه سرگرمی در قالب سریال را از نظر دور داشت زیرا هر یک می تواند بخشی از **اهداف**

دیگری را تحت الشعاع قرار دهد.

پس از شکل گیری اولیه ی سناریو و تدوین آن به نظر رسید برای ماندگاری این برنامه محتوای آن تبدیل به بسته آموزشی شود تا علاقه مندان بتوانند همزمان به استفاده بیشتر آموزش از آن اقدام نمایند.

برای آشنایان با عرصه آموزش زبان روشن است که شیوه آموزش از طریق فیلم که اصطلاحاً به کتاب ـ فیلم از آن یاد می شود یکی از روشـــهای جذّاب و ســرگرم کننده و در عین حال آموزشـــی رایج است . کتاب حاضر کوشیده است در چهل درس مطابق با محتوای چهل قسمت از برنامه «سفری با زبان فارسی» با تبدیل آن به شکل تمرینی و کاربردی از طریق فیلم به آموزش زبان فارسی عمومی بپردازد.

در اینجا باید توجه داشـــت که رعایت هماهنگی با گفتگوهای ارائه شـــده در فیلم تألیف آزاد و منطبق بر کتابهای آموزشـــی صرف را محدود کرده و از طرفی گستردگی اجزاء آموزش زبان فارسی با توجه به محدودیت این چهل درس به حد و اندازه شایسته خود دست نیافته است.

اما ویژگی های این کتاب:

۱ . کتاب حاضر نخســتین کتاب فیلم آموزش زبان فارســی برای غیر فارســی زبانان است و دیگر بسته های آموزش زبان فارسی یا صرفاً متکی بر متون نوشــتاری و یا حداکثر با اســتفاده از بخش صوتی می باشــد. از این رو کتاب حاضر نمونه مشابهی در زبان فارسی ندارد.

۲ . با توجه با اینکه دیگر کتابهای آموزش زبان فارســی مخاطب عام را در نظر گرفته و توجه چندانی به زبان مادری آن ننموده اند، مجموعه حاضر با در نظر گرفتن مخاطب عرب زبان و در مواردی با بهره گیری از این زبان به عنوان زبان واســطه و نزدیک کردن مفاهیم آن دو به کار آموزش پرداخته است.

۳ . کوشــش شــده اســت تا حد زیادی بعد ســرگرمی و تنوع در محتوای فیلم و بعد تمرینی در آموزش در کتاب رعایت شود تا از انگیزه پی گیری و فراگیری مخاطب نکاهد.

٤ . کوشــش شــده است میان زبان محاوره ای و زبان دستوری یا رســمی در موارد فراوانی تلفیق حاصل شود تا هم فراگیرنده از آموزش ساختار درست زبان محروم نشده و هم از بعد کاربردی آن بی بهره نماند.

۵ . استفاده از عناصر فرهنگی زبان فارسی در تنظیم کتاب نیز تا حدی مورد توجه قرار گرفته است.

به هر حال انجام چنین کاری گامی کوچک برای گسترش آموزش زبان فارسی بویژه برای همسایگان ما که در بسیاری از عرصه ها با ما مشترک می باشند، محسوب شده و امید است در آینده با فعالیت های بهتری ادامه یابد. لازم است در آماده سازی این مجموعه از مدیران و دست اندرکاران شبکه جهانی الکوثر که در پشتیبانی از این اثر تلاش نموده اند و نیز آقای سید علی ابوطالبی تهیه کننده برنامــه که پی گیری های مجدّانه در خصوص تولید برنامه داشــته و نیز آقای مهدی صادقــی که کار صفحه آرایی و تنظیم محتوا را داشته اند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای همگی از خداوند توفیق خدمت به فرهنگ و زبان فارسی را که پرورش یافته ارزشهای اسلامی است بنمایم.

دکتر مسعود فکری
۱۳۸۹/۱۲/۲۰
تهران ـ ایران



المقدمة

لاشـک أن اللغة الفارســية في العالم الاسلامي و المجتمعات الاسلامية لها مكانة عظيمة و مرموقة بعد اللغة العربية و هذا يعود إلى عناصر هامة عالقة بهذه اللغة:

الأول: أن الناطقين بها و هم الفرس من أوائل الشـعوب الذين أقبلوا على الاســلام بعد العرب و اعتنقوه. و لم يكن خضوعهم لهذا الدين الجديد نتيجة خوفهم من سيوف المسلمين المهاجمين أو غلبتهم بل كان من دوافع الرغبة إلى مضمون الدين الاسلامي الباعث على الخير و السـعادة. فكان لالتحاقهم بهذا الدين أثر كبير في عظمته و هيمنته فكانت ثقافة هؤلاء الانصار للدين الاســلامي و لغتهم محطّة الانظار لسائر اخوتهم من المسلمين.

الثاني: إنّ للايرانين دورا عظيما في انتاج العلم و المعرفة و شــتى العلوم و إن التراث الثقافي الاســلامي الثمين رهين جهود العلماء و اصحاب الفكر من الايرانيين إلى حدّ كبير. فهم الذين تعتبر اللغة الفارســية اللغة الام و لغة الوطن بالنســبة اليهم مع أنهم كانوا يجيدون العربية و كانوا يســتخدمونها في حقول نشاطاتهم العلمية. اما الينابيع المتدفّقة من معرفة الله في مؤلفات و انشادات مولوي و سنائي و حافظ و سعدی الشيرازي و ظهور الحكمة و العقلية في كتب ابن سينا و مختلف الكتب في التفسير و السلوك و التأريخ و غيرها ممّا دون على أيدي العلماء الايرانيين يكشف عن التأثير البالغ لهم في تكوين هذا التراث.

فالكثير من اصحاب مجاميع الحديث و الادب و التفسير من اصول ايرانية و متضلّعين في اللغة الفارسية.

إضافة إلى ما ذكر فانّ الامتزاج الفارســية بالعربية و التبادل اللفظي و الدلالي بينهما و اشــتراك الواســع للحروف و الالفاظ سبّب أن تندرج كلتاهما ضمن إطار اســرة لغوية واحدة بحيث يمكن أن تفتقد الفارســية هويتها كلغة توظيفية اليوم دون الاعتماد على شقيقتها العربية.

لابّد وأن نضيف إلى الاسباب التي ذكرناها أن الدور الحضاري و التقدمي الهامّ للايرانيين على الساحة العالمية و الاقليمية و خاصة بعد انتصار الثورة الاســلامية العظيمة يشــدّ و بشكل هائل إنتباه العالم و خاصة العالم الاسلامي إلى ايران كنموذج مثالي من حيث الاســتقلال و الحريــة والتطورو وقوفها الصامد بوجه القوى المتغطرســة.و قدزادت هذه الميزات في ارتقــاع عدد الراغبين لمتابعة الاحداث و القضايا الايرانية في أنحاء العالم الاسلامي و العربي.

إن الدوافع التي مرّ ذكرها قد أثارت رغبة تعلّم اللغة الفارســية كمدخل للتعرف إلى الثقافة و الحضارة و الادب و ســائر المجالات الايرانية خارج البلد و داخله ضمن دورات تعليمية مباشرة و افتراضية مستخدمين المواد التعليمية الهادفة إلى تعليم اللغة الفارسية و تلبيةً لمطالب هؤلاء في هذا المضمار.

لكن من الانصاف بمكان أن نعترف بأنه من الموسف أن خطّة مدروسة و شاملة معتمدةً على المستويات و تنوع الحاجات اللغوية لمتعلّمي الفارســية لم تتحقق بعد. فمع الاحترام البالغ للجهود المضنية التي بذلها بعض الاســاتذة و الكتاب بهذا الخصوص امّا عدم توفّر المجموعات الكاملة لتعليم جميع المهارات اللغوية وفق أحدث المناهج العصرية و المتضمنة لمختلف جوانب اللغة اللازمة لشتى المتعلّمين حسب لغاتهم الامّ مما يعانى منه المقبلين على اللغةالفارسية. و المواد التعليمية المتوفّرة حاليا مع ما فيها من خلل و ضعف لاتكون في متناول أيدي المستخدمين لها بشكل مناسب.

أضــف إلــى ذلك أنّ وســائل الاعلام المرئية كالقنوات الفضائية الــتي يمكن التقاطها في ارجاء العالم لا تقــوم بواجبها لتعليم اللغة الفارســية لغير الناطقين بها إلا ضمن نشــاطات ضئيلة. و في نفس الاتجاه إنّ قناة الكوثر العالمية وهي القناة الوحيدة باللغة العربية لمنظمة التلفاز والاذاعة الايرانية قرّرت ان تقوم بانتاج برنامج تعليمى للغة الفارســية وكانت حصيلته مجموعةباْســم «رحلة مع الفارســية» التي تهدف الى تعليم اللغة الفارســية للعرب. فحاول هذا البرنامج أن يقدّم التعليم في اطار مجموعة مسلّية غير مباشرة لتعليم الفارسية مع أن بعض الاجزاء منها قد أخذت صبغة تعليمية.

لكن من الجدير بالذكر أنّ المضائق و العوائق الموجودة للموائمة بين الجانب الفني وجانب التسلية اللذين يهدفهما غالبية المسلسلات والجانب التعليمي لبرامج هادفة اليه قد تقلل من أغراض كلٍ من الجانبين.

فبعد اعداد سناريو و تدوينه لمعت فكرة تحويله إلى مجموعة تعليميّة تتوفّر في متناول أيدي المتلعمين ليستغلوها تزامناً مع اشتغالهم بمشاهدة البرنامج والتمتّع به.

فلا يخفى على المعنيين بتعليم اللغات أن طريقة تعليم اللغة بمساعدة الفلم و ما يسمونّه بكتاب الفلم من المناهج المثيرة و المسليّة و في نفس الوقت الدارجة و الحديثة لتعليم اللغة.

فالكتاب الذي بين ايديكم حاول أن يقدّم تعليماً للغة الفارسية من خلال أربعين درساً وفقاً لأربعين حلقة من مسلسل «رحلة مع العربية» على المستوى العام لتعليم هذه اللغة.

و إن الانسياق مع الحوارات المقدّمة في الفلم قدضاق علينا النطاق لنقوم بتأليف مستقلّ لكتاب تعليمي للغة الفارسية و لذلك إختارنا نماذج من التمارين و قواعد اللغة حسب الامكان في هذه الدروس لتسد الفراغات فى هذا المجال.

امّا خصائص هذا الكتاب:

١ . إنّه الكتاب الوحيد لتعليم الفارسية عن طريق الفلم لغير الناطقين بها و إن سائر المجموعات إما أن تعتمد على النصوص المكتوبة و إمّا أن تكتفي بالجانب الصوتي إضافة إلى الجانب المكتوب. فلا مثيل للكتاب في مجال تعليم اللغة الفارسية بهذا المنهج.

٢ . إنّ الكتاب باستخدامه العربية كلغة وسيطة يعتبر كتاباً خاصاً للعرب و حاول أن تقرّب من القواسم المشتركة بين اللغتين.

٣ . حاولنا كثيرا أن نجمع بين جانب التسلية في الفلم و الجانب المهاري في الكتاب ليزيد في دوافع المتعلمين.

٤ . قدقمنا باستخدام اللغة الفارسية الرسمية و العامية الدراجة أحياناً ليتمكن المستخدم من التعرف إلى الجانب التوظيفي إضافة إلى دراسة القواعد المضبوطة للفارسية.

٥ . و قد ركّزنا على بعض الملامح الثقافية للفارسية في اعداد الكتاب و تدوينه. فملخّص القول أن القيام بمثل هذا المشروع يعتبر خطوة يسيرة لتوسيع نطاق تعليم الفارسية و خاصة لجيراننا المشتركين معنا في كثير من المجالات و نتمنى أن تستمّر بنشاطات جديرة في المستقبل.

لابد و أن نقدّم جزيل الشكر إلى المعنيين في قناة الكوثر العالمية الذين لم يألوا جهداً لدعم المشروع و خاصة السيد علي أبوطالبي المنتج للفلم و المخرج له الذي بذل أقصى جهوده لتحقق هذا الامر و الشكر الموصول لزميلي السيد مهدي صادقي والذي قام بتصميم صفحات الكتاب. فنتمنى لجميعهم التوفيق المتواصل من الباري جل اسمه في خدمة الثقافة الايرانية و اللغة الفارسية التي تربّت في أحضان القيم الاسلامية السامية.

والله من وراء القصد

الدكتور مسعود فكري

العاشر من ربيع الثاني ١٤٣٢ هـ.ق

طهران ـ ايران



طريقة الإستخدام

أيهـا القـارئ العزيز، إنّ الكتاب الذي بين يديک حاول أن يعرّفک على جانب من الجوانب التعليمية للغة الفارســية و بما أن تعليميّة الافلام و الموادّ المســموعة و المرئية تعتبر امراً صعباً يمكن أن يفوت ضمنها كثير من الاهداف التعليمية ، حاولنا أن نجمع بين الاطار المخصّص لتقديم مشاهد الفلم و صياغتها في قوالب من التمرين و التدريب و الممارسة.

و لذلک وقفنا على حيادةٍ من الانزلاق نحو كتاب تعليمي بحت مع غض النظر عن مسلسل «رحلة مع الفارسية» أو نتابع المسلسل دون الاهتمام بهيكلية كتاب تعليمي للغة.

و اذا لفتت بعض المضائق الموجودة في الكتاب أنظار القرّاء أو المعنيين فانها تعود إلى هذا الامر الذي كان يصعب الخلاص منه.

و مع غض النظر عن جانب الافادة التعليمية لهذا الكتاب فان المستخدم يتمكن من متابعة كل حلقة بجانب تعليمي قد انعكس في صفحات الكتاب شريطة أن يكلّف نفسه بأداء واجباته تجاه الدورس كطالب مهتّم بدراسة اللغة.

و إن الاهـداف الـتي يرمى اليها الكتاب لا تتحقق إلا بمثابرة الطالب و تركيز و تطبيـق المنهج المقرّر للدروس. فهناک ملاحظات جديرة يجب أخذها بعين الاعتبار:

١ . إن هذا الكتاب يعتبر مواد لتعليم ذاتي وبدون مسـاعدة الأسـتاذ ولذلک حاولنا أن نقدمه في شـكل واضح و بسيط فلما يحتاج الطالب إلى مراجعة مصادرٍ أخرى.

٢ . على الطالب أن يجمع بين مشـاهدة حلقات المسلسـل و متابعة أداء الواجبات و قراءة الحوارات و حلّ التمارين و دراسة القواعد التي تتضمنها دروس الكتاب. ولا يمكن استخدام واحدة منها دون الاهتمام بالآخر.

٣ . أما منهج التعلم في الكتاب فعلى الطالب أن يشاهد الحلقة مرّة أو اكثر ثم يراجع نفس الدرس في الكتاب و يقوم بواجبه تجاه كل قسم من الاقسام التالية:

الف) المفردات

يحاول الطالب أن يقارن بين المعاني الفارسية و العربية و يحفظها ليوسع مخزونه اللغوي لفهم الجمل و العبارات التي وردت في الحوار.

ب) تعابير شائعة

إنّ اللغة الفارسـية كشـقيقتها العربية مشحونه بأسـاليب و تعابير تثري حديث الناطق بها .لذلک يجب حفظها و اعادتها دوماً لامكان توظيفها إذا مسّت الحاجة.

ج) الحوار الاول و الثاني

و همـا ركيزتان اساسـيتان في كل درس يتمحور سـائر اجزاء الدرس حولها و هما مقتبسـان من نـصّ الفلم. فالطالب بعـد مشـاهدة اللقطة الخاصة بها يحـاول أن يجد الكلمات لهذيـن الحوارين المكتوبة في الـدرس ليتمكّن من تكرارها و اداءهاوالاسـتماع المسـتمر يعلّمه كيفية الاداء و التلفظ بالكلمات الفارسية. فيجب أن يكرّر الجمل أثناء مشاهدة الفلم و قراءتها بنفسه بعد إنتهاء المشاهدة.

د) الإستيعاب و الفهم

الاسـئلة الموجهة إلى الطالب في هذا القسـم تحاول أن تقيّم مدى فهم الطالب و اسـتيعابه للحوار و مدى قدرته للاجابة بالفارسية فعليه أن يقدم الجواب شفويا ثم يكتبه لكل سؤال.

هـ) الجمل التوظيفية

بما أنّ هناک عبارات و جمل شـاع اسـتخدامها في الفارسـية و خاصة في المجال العالق بموضوع الدرس قدّمنا خمس جمل بنفس الهدف محاولين أن تکون اکثر استخداماً في الفارسية.

و) تحديد أسماء للصور

و هذا القسم إضافة إلى الفائدة التعليمية يعتبر تسلية أثناء الدرس.

ز) التدريبات السبعة

و ان التدريبات السبعة تحاول الترکيز على تعليم اللغة في اطار ما درسه الطالب في الحوار فالتدريب الأول للتطبيق اللغوي بين الفارسة و العربية.
و التدريب الثانى للترکيز على الأخطاء الشائعة لمتعلّمي الفارسية و تصحيحها.
و التدريب الثالث و الرابع لتوسيع المخزون اللغوي للطالب.
و التدريب الخامس لتشـجيع الطالب على الانتاج اللغوي و اسـتخدام ما تعلّمه في صياغة جمل تجعله ينتقل من مرحلة التلقي إلى مرحلة الابداع اللغوي و الاعتماد على معلوماته اللغوية.
و التدريب السادس للفت انتباه المستخدم إلى الاسلوب التعبيري الصائب للفارسية و جملها.
و التدريب الاخير لفهم المسموع و إملاء الفراغ بمشاهد لقطات الفلم.

ح) قسم القواعد

أما قسـم تعليم القواعد فانه يحاول أن يقدم نقاط بسـيطة و توظيفية لقواعد اللغة الفارسية بعيداً عن الخوض في تفاصيل هذه القواعد لأن المنهج التعليم الذاتي يتأبى هذا الأمر.

و يمکن للقارئ أن يعيد مشاهدة الفلم مرة أخرى بعد إکمال المشوار في کل درسٍ ليجد أخطاءه و يحاول تسديد فراغاته و يرسّخ ما تعلّمه في هذه الخطوة.

و إذا کان هناک مشکلة أو ملاحظة يمکن إرسالها و الاستفسار حولها عبر البريد الالکتروني التالي:

dr.m.fekri@gmail.com



درس بیست و یکم

۲۱ در ورزشگاه



واژگان درس

ورزشگاه :	ملعب / استاد	رشته ورزشی :	فرع رياضي
دوست داری :	تُحِبُّ	بدن سازی :	اللياقة البدنية
شنا :	السباحة	سوارکاری :	الفروسية
می توانی :	تستطيع	باشگاه :	نادي
شناگر :	السّباح	شطرنج باز :	لاعب الشطرنج
دونده :	العدّاء	قایقران :	جدّاف
شمشیرباز :	المناقف		

ساختارهای گفتاری درس

ثبت نام :	تسجيل الاسماء
هیکل های ضعیف:	أجسام نحيفة
بیا فرار کنیم :	تعال نهرب
آنجا بنشینید :	تفضّلوا إجلسوا هناک.
کار نمی کنند :	غير نشيطين
عجله کن :	إسرع / هيّا



در ورزشگاه ۱

محسن: ما برای ثبت نام به ورزشگاه آمدیم.

حسن: درسته ما برای ثبت نام ....، ثبت نام یعنی چه؟

محسن: ثبت نام یعنی «تسجیل الأسماء».

حسن: ما برای ثبت نام ورزشگاه آمدیم.

محسن: اما ثبت نام در چه رشته ورزشی؟

حسن: چرا به عربی هم عنوان ورزش ها را نوشته اند؟

حسن : عنوان یعنی چه؟

محسن: تو چه ورزشی را دوست داری؟

حسن: من بدن سازی، شنا و اسب سواری را دوست دارم.

محسن: تو می توانی شنا و اسب سواری کنی

گفتگوی دوم

در ورزشگاه ۲

حسن: سلام

مرد: سلام بفرمائید. شما برای آموزش زبان فارسی به اینجا آمده اید؟ لطفاً بفرمائید آنجا بنشینید.

محسن: شناگر، شطرنج باز، دونده، قایقران، شمشیرباز، بدن ساز.

مرد: چه فرمایشی داشتید؟

حسن: ما ....

حسن: ما برای ثبت نام کلاس بدن سازی آمدیم.

مرد: شما برای ثبت نام در کلاس بدن سازی آمدید؟

حسن: بله

مرد: مطمئنید؟

حسن: بله.

مرد: اما شما با این هیکل های ضعیف و لاغری که دارید بهتر است در کلاس شطرنج اسم نویسی کنید.

مرد ورزشکار: آقا ببخشید بچه ها کار نمی کنند.

محسن: بیا فرار کنیم، عجله کن.

درک مطلب

۱. محسن برای چه به ورزشگاه رفت؟

۲. حسن چه ورزشی را دوست دارد؟

۳. در باشگاه ورزشی با چه کسی صحبت کردند؟

٤. در چه کلاسی می خواهند ثبت نام کنند؟

۵. صاحب باشگاه چه پیشنهادی به آنها کرد؟

٦. بدن حسن و محسن چگونه است؟

۷. مرد ورزشکار چه گفت؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. من ورزشکار هستم.	(أنا رياضي)
۲. من ورزش را دوست دارم.	(أنا أحب الرياضة)
۳. فوتبال ورزش مورد علاقه من است.	(كرة القدم رياضتي المفضّلة)
٤. هر روز به باشگاه می روم.	(أذهب كل يوم إلى النادي الرياضي)
۵. ورزش برای تندرستی مفید است.	(الرياضة مفيدة للسلامة)

نام ها و تصاویر

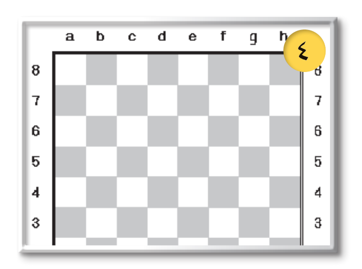
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

قایقرانی ـ شنا ـ اسب سواری ـ شطرنج ـ دو ـ فوتبال













تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. شما چه ورزشی را دوست دارید؟	٦. أنا أحبّ الفروسية.
۲. در کلاس ثبت نام کردم.	۷. ذهبنا إلى الملعب.
۳. آیا لازم است در کلاس شرکت کنم؟	۸. أي رياضة تحبّها؟
٤. ما به ورزشگاه رفتیم.	۹. هل يجب أن نشارك في الصّف؟
۵. من سوارکاری را دوست دارم.	۱۰. سجّلت اسمي في الصّف.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. ما ورزش را دوست داشتید. ____________________

۲. من می توانیم شنا کنیم.. ____________________

۳. آنها هر روز صبح ورزش می کنید. ____________________

٤. بدن شما خیلی لاغر هستند. ____________________

۵. در استخر شنا می کنیم. ____________________

٦. والیبال از رشته ورزشی است. ____________________

۷. آیا در باشگاه ورزشی ثبت نام کردی؟ ____________________

۸. این جوانان ورزشکار استند. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

ورزشکار	رياضة
ورزش	لاعب
دوست داری	رياضي
بدن سازی	سباحة
بازیکن	تسجيل الاسماء
می توانم	لياقة بدنية
شنا	يُحبّ
ثبت نام	استطيع

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

لاغر ________ تنها ________

با هم ________ سلامتی ________

بیماری ________ چاق ________

سودمند ________ زیان بار ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. ورزش : ________________

۲. شنا: ________________

۳. ورزشگاه : ________________

۴. می توانیم: ________________

۵. دوست داریم: ________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. هر ـ ورزشکاران ـ باشگاه ـ ورزش ـ می کنند ـ روز ـ در. ______________________

۲. سوار ـ محسن ـ کاری ـ دوست ـ دارد ـ را. ______________________

۳. قوی ـ این ـ مرد ـ است ـ ورزشکار. ______________________

٤. در ـ دوستم ـ دریا ـ می کند ـ شنا. ______________________

٥. چه ـ اینجا ـ برای ـ بـه ـ آمده اند؟ ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: تو ______ می خوری؟

حسن: بله، من ______ می خورم.

فروشنده : بفرمائید شما چی ______ دارید؟

فروشنده: ما همه ______ داریم، آب ______ ، آب ______ ، آب ______ ، شیر موز ، شیر پسته.

حسن: برای من ______ برای حسن ______ لطفاً.

محسن: ______ خیلی خوشمزه است.

حسن: خوش مزه چه کلمه ______ است.

الاعداد (۲)

ذکرنا سابقاً الاعداد في الفارسية من الواحد إلى العشرة و الآن نقدم الاعداد من أحد عشر إلى العشرين و الفاظها کالتالي:

۱۱ (یازده) ـ (۱۲) دوازده ـ (۱۳) سیزده ـ (۱۴) چهارده ـ (۱۵) پانزده ـ (۱۶) شانزده ـ (۱۷) هفده ـ (۱۸) هیجده ـ (۱۹) نوزده ـ (۲۰) بیست.

أمثلة:

۱ ـ یازده بازیکن در تیم فوتبال هستند. (في فریق کرة القدم أحد عَشَر لاعباً.)

۲ ـ تعداد امامان شیعه دوازده تا است. (عدد ائمة الشیعة (ع) إثنا عَشَر إماماً.)

۳ ـ در آغاز سال جدید سیزده روز مدارس تعطیل است. (في بدایة السنة الجدیدة ثلاثة عَشرَ یوماً عطلة ربیعیة)

۴ ـ سن من هیجده سال است. (عمری ثمانیة عشر عاماً.)

۵ ـ سفر من پانزده روز طول می کشد. (رحلتي تستغرق خمسة عَشَر یوماً.)

۶ ـ در امتحان نمره بیست گرفتم. (حصلت علی درجة العشرین في الاختبار.)



سردر باغ ملی– تهران


درس بیست و دوم



۲۲ اعضای بدن



واژگان درس

تمرین : تدریب

خوابیده : مستلقیاً

گوش : اذن

صورت : وجه

زبان : لسان

پا : رجل

ماهیچه : عضلة

نشسته : جالساً

چشم : عین

دهان : فم

سر : رأس

دست : ید

صداها : اصوات

ساختارهای گفتاری درس

ورزش گرم کردن بدن : ریاضة تحمیة

روی تخته دراز بکش : إستلقِ علی الخشبة

بهتره : من الافضل

نفس می کشیم : نتنفّس

کفش می پوشیم : نلبس الحذاء

تقویت می کنی : تقوّي

اعضاء بدن : اعضاء الجسم

گفتگوی اول

ورزش کردن

محسن: حسن آقا فیلم بازی نکن! بلند شو بریم تمرین کنیم.

حسن: چطور اینجا آمدیم!

محسن: اینجا سالن بدنسازی محله ماست در هفته سه روز برای تمرین و ورزش می توانیم به اینجا بیائیم.

حسن : هماهنگ کردی؟

محسن: بله

محسن: این دمبل است.

مرد: این کار شما اشتباه است.

مرد: اول شما باید خودتان را گرم کنید.

حسن: گرم کنید یعنی چه؟

مرد: اول باید خودتان را گرم کنید بعد از تمرین های نشسته و حتی خوابیده شروع کنید. لطفاً شما روی تخته بخوابید.

مرد: شما با این تمرین ماهیچه های ساعد و کتف خود را تقویت می کنید، شما خیلی ضعیف هستید.

گفتگوی دوم

اعضای بدن

محسن: آیا اسم اعضاء بدن را بلدی؟

حسن: بعضی ها را بلدم مثل سر، دست، پا، چشم ...

محسن: چشم ها کجا قرار دارد؟

حسن: چشم ها در صورت قرار دارد ما دو چشم داریم.

محسن: آفرین با گوش چه می کنیم؟

حسن: با گوش صداها را می شنویم.

محسن: چند تا دست داریم؟

حسن : ما دو تا دست داریم با دستهایمان می نویسیم.

محسن: بهتره بگی با دستانمان.

حسن: با پاهایمان راه می رویم.

محسن: به پایمان کفش می پوشیم.

حسن: با دهانمان غذا می خوریم و حرف می زنیم.

محسن: و نفس می کشیم.

حسن: نفس می کشیم یعنی چه؟

محسن: یعنی (تتنفّس).

درک مطلب

۱. حسن و محسن در کجا تمرین می کنند؟

۲. هفته ای چند روز می توانند به باشگاه بیایند؟

۳. اول باید چه کاری انجام دهند؟

٤. این تمرین ها چه فایده ای برای حسن و محسن داشت؟

۵. چشم ها کجا قرار دارد؟

٦. گوش چه کاری انجام می دهد؟

۷. ما چند دست داریم؟

۸. با کدام عضو خود راه می رویم؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. دستان خود را بشوئید. (إغسلوا أیدیکم)

۲. من پیاده به مدرسه می روم. (أنا أذهب إلی المدرسة ماشیاً.)

۳. دهانت را باز کن. (افتح فمک.)

٤. صدای شما را نمی شنوم. (لا اسمع صوتک)

۵. چشمانت را ببند. (أغمض عینیک)

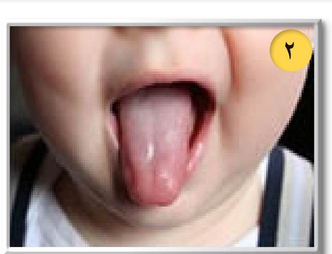
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

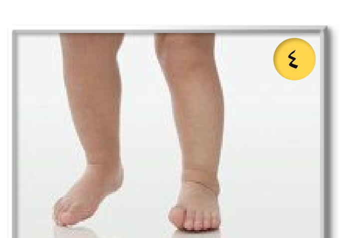
چشم – گوش – پا – زبان – بینی – دست

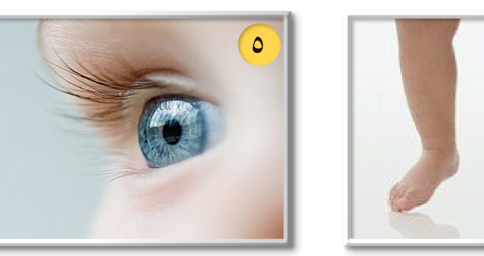
۱

۲



۳

٤


۵


٦


تمرين ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. شما خیلی ضعیف هستید.	٦. قوّوا اجسامکم بالرياضة.
۲. ما برای ورزش اینجا می آییم.	۷. تنفس في الهواء الطلق.
۳. در محله ما باشگاه ورزشی هست.	۸. أنت نحيف جداً.
٤. در هوای آزاد تنفس کنید.	۹. في حيّنا نادٍ رياضي.
٥. بدن خود را با ورزش تقویت کنید.	۱۰. نأتي هنا للرياضة.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. ما هر روز صبح برای ورزش به باشگاه می روید. ______

۲. ورزش برای سلامتی مفید هست. ______

۳. چشمان خود را باز کرد و به حیاط نگاه کردم. ______

٤. صدای شما را می شنوم. ______

٥. با پاهایمان راه می روید. ______

٦. من ورزش را نشسته انجام می دهیم. ______

۷. هفته آینده دانش آموزان امتحان دارید. ______

۸. صداها را با گوشمان می شنویم. ______

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

چشم	مَشي
کفش	تحمية
نفس کشیدن	عضلات
ماهیچه ها	يد
دست	تدريب رياضي
راه رفتن	تنفّس
تمرین ورزشی	حذاء
گرم کردن	عين

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

راه رفتن	________	سرد	________
قوی	________	ایستادن	________
باز کردن	________	بیرون آوردن	________
گرم	________	ضعیف	________
پوشیدن	________	بستن	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. تمرین کردن : ________

۲. هفته: ________

۳. نشسته : ________

۴. سر: ________

۵. دست: ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. انجام ـ این ـ ورزشی ـ تمرین ـ بده ـ تمرین ـ را ـ های. ________________________

۲. به ـ تمرین ـ باشگاه ـ برای ـ برویم. ________________________

۳. غذا ـ ما ـ دهان ـ می خوریم ـ با ـ مان. ________________________

٤. انسانی ـ دو ـ هر ـ تا ـ دارد ـ گوش. ________________________

۵. دســت ـ به ـ من ـ خود ـ بدهید ـ را. ________________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

مرد: من ______ مختف ______ انسان را توضیح می دهم ______ که شامل ______ مو، گوش، بینی، ______ لب پایین، لب ______ ، ســیبیل ، ریش، زبان، چانه، ______ ابرو، مژه، گونه، دهان، گردن، ______ ســینه، کمر و دست ها می باشد. دست ها ______ بازو، آرنج، ساعد، ______ انگشتان می باشد.

الاعداد (۳)

العدد فوق العشرين إلى المأة يكفى فيه ان نضيف الواحد إلى التسعة إلى العقود.

(۲۰) بیست ـ (۳۰) سی ـ (۴۰) چهل ـ (۵۰) پنجاه ـ (۶۰) شصت ـ (۷۰) هفتاد ـ (۸۰) هشتاد ـ (۹۰) نود

(۲۱) بیست و یک ـ (۳۲) سی و دو ـ (۴۳) چهل و سه و ....

امثلة:

۱ ـ من سی کتاب دارم. (عندي ثلاثون کتاباً.)

۲ ـ بیست و سه دانش آموز در کلاس هستند. (في الصف ثلاثة و عشرون تلمیذاً.)

۳ ـ پدرم پنجاه و پنج سال سن دارد. (عمر أبي خمسة و خمسون عاماً.)

۴ ـ شصت روز قبل برگشتم. (رجعت قبل ستّين يوماً.)

۵ ـ دندانهای من سی و چهار تاست. (اسناني اربع و ثلاثون)

۶ ـ در پارک هفتاد و پنج درخت هست. (في المتنزه خمس و سبعون شجرة.)



روستای سوباتان تالش


درس بیست و سوم



۲۳ در موزه



واژگان درس

مجسمه / تندیس :	تمثال	هنرمند :	فنان
نقاش :	رسام	موزه :	متحف
قیمت :	سعر	نمایشگاه :	معرض
نمایش :	تمثیل / مسرحیة	تابلو :	لوحة
خوشنویسی :	خطّ	کارگاه :	ورشة
معروف :	مشهور	بلیط :	بطاقة

ساختارهای گفتاری درس

کتاب های هنری :	کتب الفنّ	موزه های هنرهای معاصر:	متحف الفنون المعاصرة
هنرهای تصویری :	الفنون المرئیة		
مینیاتور :	منمنمات		
برگزار می شود :	یُقام		
هنرهای نمایشی :	الفنون المسرحیة		
داستان نویسی :	فن القصة		
حماسه عاشورا :	ملحمة عاشورا		

گفتگوی اول

در موزه

محسن: اینها مجسمه هستند، مجسمه یا تندیس.

حسن: مجسمه ، تندیس.

محسن: هنرمند مجسه ساز.

حسن : هنرمند ، هنر ، نقاش، مجسمه ساز.

محسن: اینجا موزه هنرهای معاصر است.

محسن: اول باید بلیط تهیه کنیم.

حسن: بله من باید بلیط تهیه کنم.

محسن: سلام خانم ببخشید من دو تا بلیط می خواهم.

خانم بلیط فروش: سلام بفرمائید.

حسن: قیمت آنها چند تومان بود؟

خانم: هزار تومان.

گفتگوی دوم

در موزه هنرهای معاصر

محسن: اینجا کتابهای هنری می فروشند.

حسن: کتابهای هنری؟!

محسن: هنرهای نمایشی ، هنرهای تصویری ، موسیقی ، شعر، داستان نویسی.

حسن: تعزیه یعنی چه؟

محسن: تعزیه یکی از هنرهای نمایشی ایرانی است. تعزیه نمایش واقعه عاشورا است.

حسن: واقعه عاشورا، نمایش واقعه عاشورا است؟

محسن: اینجا نمایشگاه نقاشی است. آن آقا نقاش است.

محسن: خوشنویسی یک هنر ایرنی است. تعزیه و مینیاتور هم هنر ایرانی است.

حسن: مینیاتور یعنی چه؟

محسن: مینیاتور نقاشی ایرانی است.

حسن: تابلو عصر عاشورا، اثر استاد محمود فرشچیان.

حسن: این تابلو را همه می شناسند.

محسن: این تابلو معروفی است.

حسن: بله این تابلو خیلی معروفی است، نقاشی آن هم معروف است. (استاد محمود فرشچیان)

محسن: در این موزه کارگاه های هنری زیادی برگزار می شود.

درک مطلب

۱. در موزه چه چیزی دیدند؟

۲. محسن و حسن به کجا رفتند؟

۳. حسن چند تا بلیط می خواهد؟

٤. قیمت دو بلیط چقدر است؟

۵. در موزه چه کتابهایی می فروشند؟

٦. تعزیه هنر چه کشوری است؟

۷. تابلو عصر عاشورا اثر کیست؟

۸. خوشنویسی هنر کدام کشور است؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. ما به دیدار موزه می رویم. (نذهب لزيارة المتحف)

۲. من هنر را دوست دارم. (أنا أحبّ الفنّ)

۳. لطفاً دو بلیط بدهید. (رجاءاً اعطني بطاقتين)

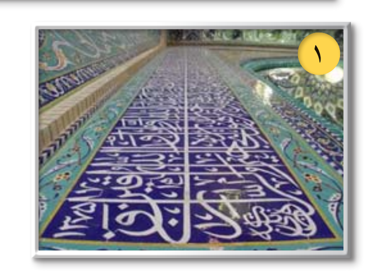
٤. این تابلو بسیار زیبائی است. (هذه اللوحة رائعة جدّاً.))

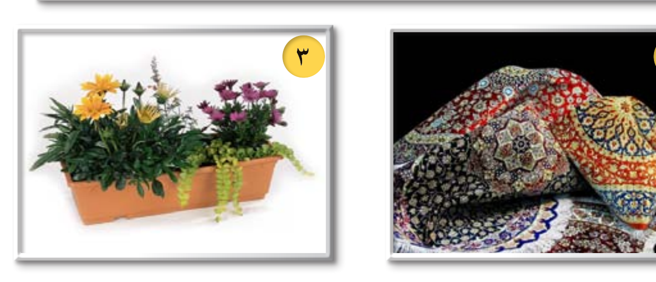
۵. در موزه آثار تاریخی هست. (في المتحف معالم تأريخية)

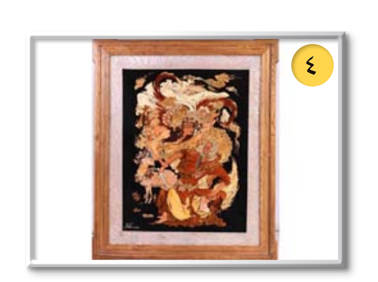
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

مجسمه ـ تابلو ـ فرش ـ کاشیکاری ـ گلدان ـ نمایش

۱


۲ ۳


٤


۵


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

فارسی	عربی
۱. اسم این غذا چیست؟	٦. لِمن هذا التمثال؟
۲. من خیلی شیرینی دوست دارم.	۷. صديقي فنان كبير.
۳. این مجسمه کیست؟	۸. ما اَسم هذا الطعام؟
٤. دوست من هنرمند بزرگی است.	۹. فن الخط فن ايراني قديم.
٥. هنر خط هنری ایرانی و قدیمی است.	۱۰. أنا أحبّ الحلويات كثيراً.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. نقاش تابلو زیبایی می کشند. ____________________

۲. تعزیه یک هنر ایرانی است. ____________________

۳. من این تابلو را می شناسیم. ____________________

٤. دوستم در کلاسهای هنری شرکت می کنید. ____________________

٥. اینجا کتابهای هنری می فروشد. ____________________

٦. این مجسمه مال شما هست؟ ____________________

۷. شما چند تا بلیط می خواهی؟ ____________________

۸. اینجا نمایشگاه خطاطی است. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

فارسی	عربی
موزه	تذكرة
هنرمند	متحف
تابلو	القصة
داستان	الفن
بلیط	لوحة
هنر	فنان
تئاتر	المسرح

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

شناخته شده ________ گمنام ________

جدید ________ ناشناس ________

مشهور ________ قدیم ________

می فروشد ________ می خرد ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. هنرمند : ________

۲. مشهور: ________

۳. ایرانی : ________

۴. بلیط: ________

۵. می فروشد: ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. دیدم ـ مجسمه ـ ایرانی ـ فردوسی ـ در ـ شاعر ـ را ـ موزه. ______________________________

۲. می شناسی ـ نقاش ـ تابلو ـ را ـ این؟ ______________________________

۳. هنر ـ زیبایی ـ خوشنویسی ـ ایرانی ـ است. ______________________________

٤. چقدر ـ هر ـ است ـ قیمت ـ بلیط؟ ______________________________

٥. نمایش ـ حادثه ـ اســت ـ تعزیه ـ عاشورا. ______________________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: کارگاه یعنی چه؟ کارگاه ______ نویسی.

محسن: کارگاه نمایشنامه ______ یعنی (ورشة المسرحية)

حسن: کارگاه داستان نویسی، گرافیک.

محسن: بگو ______ می خواست بازیگر ______ .

حسن : دلم می خواست ______ بشوم.

محسن: دلم یعنی ______ .

محسن: شما ______ خوبی هستی.

دستور زبان

الاعداد (۴)

یکفي في العدد فوق المأة أن نضیف هذا العدد إلی الواحد فما فوق. و کذلک ألف و میلیون. لنلاحظ الفاظها:

(۱۰۰) صد ـ (۲۰۰) دویست ـ (۳۰۰)سیصد (۴۰۰) چهارصد (۵۰۰) پانصد ـ (۶۰۰) ششصد ـ (۷۰۰) هفتصد ـ (۸۰۰) هشتصد ـ (۹۰۰) نهصد ـ (۱۰۰۰) هزار ـ (۱۰۰۰۰۰۰) میلیون

أمثلة:

۱ ـ در این قطار صد مسافر هستند. (في هذا القطار مأة مسافرٍ)

۲ ـ تعداد روزهای سال بیش از سیصد است. (عدد أیام السنة اکثر من ثلاثمأة)

۳ ـ قیمت بلیط پانصد تومان است. (ثمن البطاقة خمسمأة تومان)

۴ ـ این کتاب را هفتصد و پنجاه تومان خریدم. (إشتریت هذا الکتاب بسبعمأة و خمسین توماناً.)

۵ ـ در ایران بیش از هزار اثر تاریخی هست. (في ایران اکثر من ألف معلمٍ تاریخي.)

۶ ـ نوع (ع) نهصد سال مردم را دعوت کرد. (النبي نوح (ع) دعا قومه تسمعأة سنة.)



تعزیه



درس بیست و چهارم





واژگان درس

نماز :	صلاة	کیفر :	عقاب
وضو گرفتن :	التوضُّؤ	نیایش :	الدعاء/ المناجاة
باید :	يجب		
عزاداری :	إقامة المأتم		
روزه :	الصوم		
وضو :	الوضوء		
فرق می کند :	يختلف		

ساختارهای گفتاری درس

خدایا :	الهي
جماعت :	بالجماعة
چه جالب! :	ما أروع!
حسینیه :	مكان لاقامة المآتم الحسينية
کمکم کن :	وفّقني/ أعنّي
فرادیٰ :	بالانفراد
امامزاده :	مقام الاولياء/ مراقد الصالحين

گفتگوی اول

نماز

پدر: وقت نماز رسید باید وضو بگیریم و نماز اول وقت بخوانیم.

حسن: وضو بگیریم.

محسن: بله وضو گرفتن. وضو بگیرید فعل امر است.

محسن: معمولاً در جمله های امر کلمه «باید» بکار می ود. مثلاً باید برویم ، باید برگردیم.

حسن: باید بگیریم، باید بخوریم ...

محسن: یا نخوریم، نگیریم، نایستیم اینها فعل نهی هستند یا نباید بخوریم، نباید بگیریم ...

حسن: جماعت فرادیٰ، ثواب، عقاب اینها کلمات عربی هستند.

محسن: بله در فارسی کلمات زیادی هستند که عربی می باشند اگر چه بسیاری از آنها معنایشن با معنای عربی فرق می کند مثلاً می گوئیم «جامعه» در فارسی که به معنی گروه انسانی است و عربی به معنی دانشگاه.

حسن: چه جالب!

گفتگوی دوم

در زیارت امامزاده

حسن: خدایا به من کمک کن تا زبان فارسی را خوب یاد بگیرم.

محسن: ما به زیارت امامزاده صالح آمدیم. تو چه آرزویی کردی؟

حسن: آرزو کردن یعنی چه؟

محسن: یعنی «أتمنّی»

حسن: تو چه آرزویی کردی؟

محسن: من آرزو کردم که تو زبان فارسی را خوب یاد بگیری.

حسن: من هم آرزو کردم که زبان فارسی را خوب یاد بگیرم.

حسن: آنها چرا نماز جماعت می خوانند؟

محسن: آنها نماز قضا به جماعت می خوانند.

حسن: حسینیه یعنی چه؟

محسن: حسینیه جایی است که مردم برای امام حسین (ع) عزاداری می کنند.

حسن: عزادای یعنی چه؟

محسن: یعنی «إقامة المآتم». اینجا برای ما مقدس است.

حسن: تو امام حسین (ع) را دوست داری؟

محسن: ما عاشق امام حسین (ع) هستیم.

درک مطلب

۱. برای چه پدر وضو می گیرد؟

۲. نماز را چه وقت می خواند؟

۳. ثواب چه نمازی بیشتری است؟

٤. آیا در فارسی کلمات عربی یافت می شود؟

٥. حسن و محسن به زیارت کجا رفتند؟

٦. حسن چه آرزویی داشت؟

۷. در حسینیه چه کاری انجام می دهند؟

۸. آیا محسن امام حسین (ع) را دوست دارد؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. نمازتان را خواندید؟	(هل أدّيتَ صلاتک؟)
۲. باید وضو بگیرم.	(يجب أن أتوضّأ)
۳. ما به زیارت امامزاده ها می رویم.	(نذهب لزيارة مقامات الاولياء)
٤. نماز صبحم قضا شد.	(فاتني صلاة الفجر)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

مسجد ـ تعزیه ـ نمایش ـ سینما ـ تلویزیون



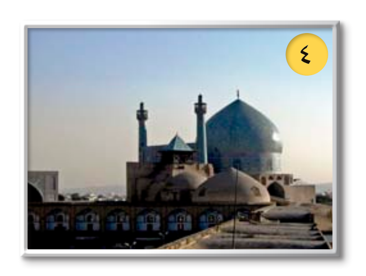
۱ ____________



۲ ____________



۳ ____________



٤ ____________



۵ ____________

تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

١. چه آرزویی داری؟	٦. لهذا العمل أجر.
٢. من روزه می گیرم.	٧. ماذا تتمّنی؟
٣. این کار ثواب دارد.	٨. ما معنی هذه الکلمة؟
٤. معنای این کلمه چیست؟	٩. هل توضّأتَ؟
٥. آیا وضو گرفتی؟	١٠. أنا أصوم.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

١. من نماز خواندیم. ______

٢. نمازگزاران درمسجد وضو می گیرد. ______

٣. بعد از نماز مادرم قرآن می خوانی. ______

٤. نماز اول وقت ثواب هست. ______

٥. در ماه رمضان ما روزه می گیرید. ______

٦. آرزو می کنم در زندگی موفق شوی. ______

٧. آنها به زیارت امامزاده رفتید. ______

٨. مسجد خیلی شلوغ است. ______

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

نماز	نصوم
عزاداری	نؤدي الصلوة
نماز بخوانیم	جئنا
پاداش	عقاب
روزه می گیریم	إقامة المأتم
آمدیم	التعلّم
یاد گرفتن	أجر

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

جماعت	________	بدش می آید	________
آینده	________	فرادی	________
دوست دارد	________	گذشته	________
پاداش	________	کیفر	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. نماز : ________

۲. جماعت: ________

۳. می خوانیم : ________

٤. امامزاده: ________

۵. عزاداری: ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. برای ـ امام ـ عزاداری ـ ما ـ می کنیم ـ ایرانیان. ______________________

۲. خانه ـ حسینیه ـ است ـ نزدیک ـ عمویم ـ بزرگی. ______________________

۳. به ـ بارگاه ـ امام ـ ایرانیان ـ می روند ـ زیارت ـ رضا (ع). ______________________

٤. خواندی ـ نمازت ـ آیا ـ را؟ ______________________

۵. مـی توانیـد ـ در ـ کمکم ـ شما ـ این ـ آیا ـ کنید ـ کار؟ ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

نوروز یکی از ______ ایرانی اسـت. این ______ در ______ سـال ______ برگزار می شـود. در این جشـن ______ به دیدار ______ می روند. و با دادن ______ و ______ آغاز سال جدید را به یکدیگر ______ می گویند. این جشن ______ نشانه زندگی دوباره ______ و شروع دوره جدیدی از ______ است.

الاعداد (۵)

نلاحظ أمثلة من الاعداد فوق المأة و الألف

۱ ـ این کتاب دویست و پنجاه صفحه دارد. (لهذا الکتاب مأتان و ثلاث و خمسون صفحة)

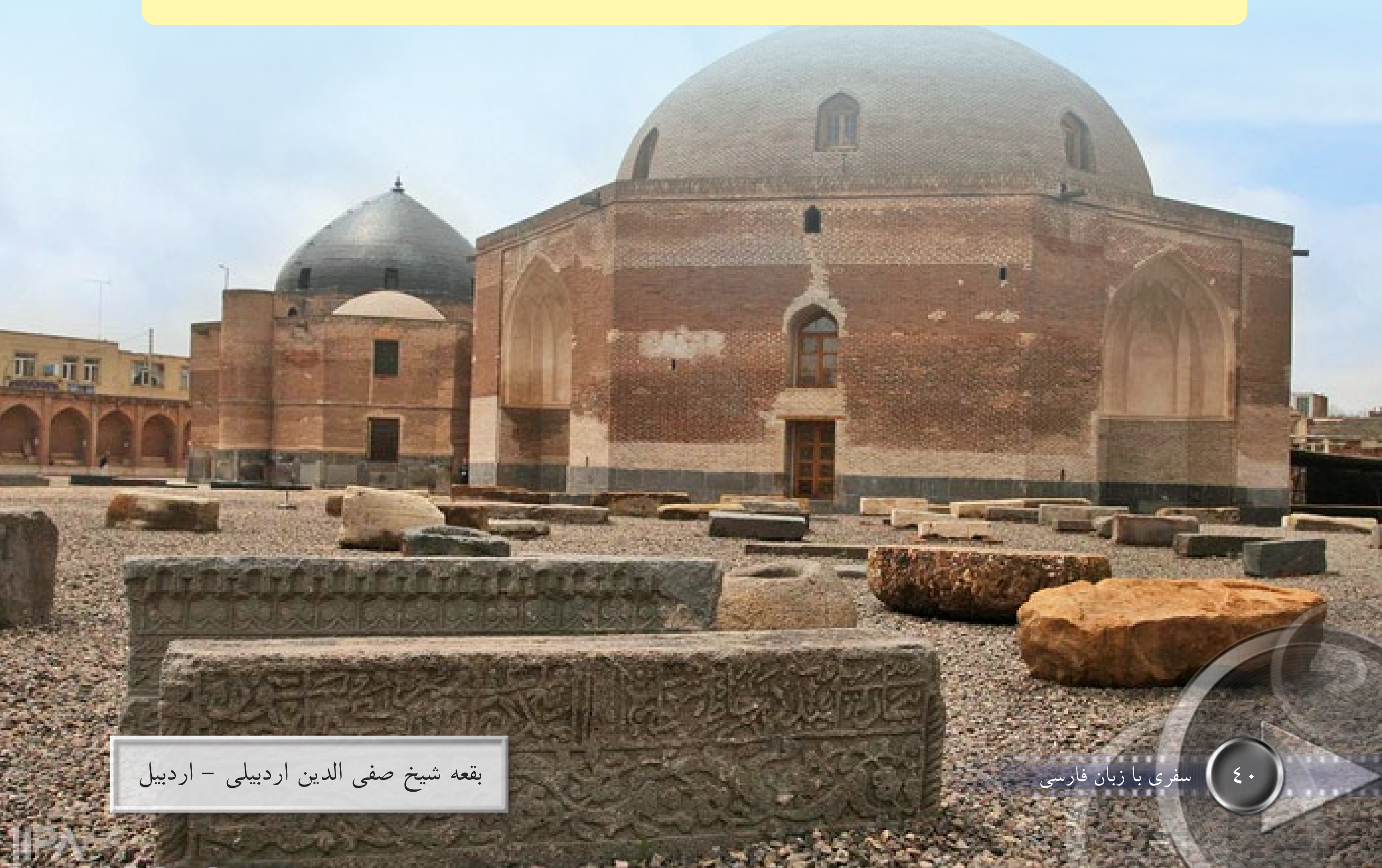
۲ ـ روزهای سال سیصدو شصت و پنج روز است. (عدد أیام السنة ثلاثمائة و خمسة و ستون یوماً)

۳ ـ قیمت این کتاب دو هزار و پانصد و چهل تومان است. (سعر هذا الکتاب ألفان و خمسمائة و اربعون تومان)

۴ ـ جمعیت ایران هفتاد و پنج میلیون نفر است. (عدد سکان ایران خمسة و سبعون ملیون نَسمَة)

۵ ـ این خانه را به پنجاه و سه میلیون تومان خریدم. (اشتریت هذا البیت بثلاثة و خمسین ملیون تومانٍ)

۶ ـ اکنون در سال هزار و سیصدو هشتاد و نه هستیم. (نحن الآن في سنة الفٍ و ثلاثمائة و تسع و ثمانین)


بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی - اردبیل


درس بیست و پنجم

۲۵ موزه حیات وحش



واژگان درس

شاگرد :	تلمیذ	سختگیر :	متشدّد
ناهار :	غداء	پلنگ :	نَمر
نر :	ذکر	ماده :	أنثی
مشخصات :	معلومات	قد :	قامة
استان :	محافظة	گوشت :	لحم
استخوان :	عَظم	طوطی :	ببغاء
آینده :	مستقبل	بلبل :	عندلیب

ساختارهای گفتاری درس

درس های قبل :	دروس سابقة
خورشت فسنجان :	مرق الجوز (فسنجان)
بدون :	بلا
برخواهم گشت :	سأعود
موزه های حیات وحش :	متحف الحیوانات
محل زندگی :	مکان السکن
بچه ها! :	یا اولاد!



رفتن به مدرسه

مادر: من امروز برای دیدار با شاگردانم به مدرسه خواهم رفت.

محسن: ما هم می توانیم بیائیم؟

مادر: برای چه می خواهید بیائید؟

محسن: برای اینکه حسن باید فعل های نوشتن، دیدن، آمدن و رفتن را مرور کنند.

مادر: اما این فعل ها در درس های قبل گفته شده است.

حسن: مادر! ما برای مرور درس های قبل می آییم.

مادر: اشکالی ندارد، با هم خواهیم رفت.

حسن: خواهم رفت یا خواهیم رفت چه زمانی است؟

محسن: خواهم یا خواهیم رفت آینده است.

معلم: من معلم سختگیری هستم.

حسن: سختگیر یعنی چه؟

مادر: یعنی «متشدّد»

حسن: جالبه مادر شما به زبان عربی صحبت کردید؟!

در موزه حیات وحش

مادر: بچه ها شما کجا می روید؟

حسن: ما به موزه حیات وحش می رویم.

حسن: بله ما به موزه حیات وحش می رویم، من فراموش کردم.

مادر: شما برای ناهار بر نخواهید گشت.

حسن: ما برای خورشت فسنجان برخواهیم گشت.

محسن: اینجا حیات وحش دار آباد است.

حسن: حیات وحش یعنی چه؟

محسن: یعنی «حیاة الحیوانات»

محسن: این یوزپلنگ است. او نر است.

حسن: فهمیدم، مذکر، مؤنث. (نر، ماده)

محسن: اینجا مشخصات این یوزپلنگ نوشته شده است.

حسن: مشخصات یعنی «معلومات»؟

محسن: بله، قد، متر، وزن ۵۷ کلیو گرم، سن، ۵ سال، محل زندگی: استان گلستان، غذا: گوشت بدون استخوان.

محسن: قفس پرندگان یا پرنده ها اینجاست.

حسن: پرنده یعنی طیور.

محسن: طوطی، بلبل و ... هستند.

درک مطلب

۱. کجا مادر با بچه های صحبت کرد؟

۲. مادر به کجا می خواهد برود؟

۳. حسن و محسن برای چه می خواهند به مدرسه بروند؟

۴. محسن و حسن به چه موزه ای رفتند؟

۵. ناهار چه غذایی دارند؟

۶. اولین حیوانی که دیدند چه بود؟

۷. چه پرندگانی دیدند؟

جمله های پر کاربرد روزمره

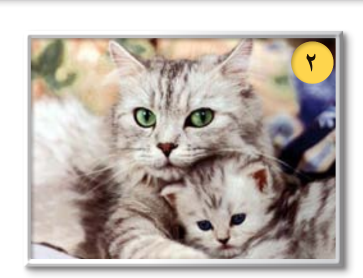
۱. آیا می توانم با شما بیایم؟	(هل يمكن أن أرافقكم؟)
۲. مشخصات خود را بنویسید.	(اكتبوا معلوماتكم)
۳. ببخشید فراموش کردم.	(عفواً نسيتُ)
٤. چه وقت برمی گردید؟	(متى ترجعون؟)
٥. تحصیلات شما چیست؟	(ما هي شهادتكم العلمية؟)

نام ها و تصاویر

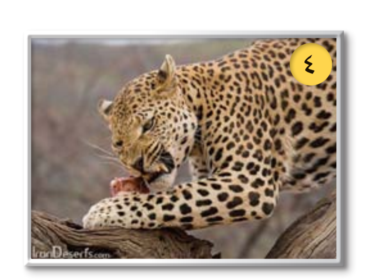
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

پلنگ ـ شیر ـ روباه ـ گرگ ـ ببر ـ گربه













تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. مادر به تک تک شاگردانش اشاره می کند.	٦. التلامیذ یکتبون رسالةً.
۲. شاگردان نامه می نویسند.	۷. أنا أری الشرطي.
۳. من پلیس را می بینم.	۸. هم یذهبون إلی ایران.
٤. آنها به ایران می روند.	۹. الام تشیر إلی کل واحدٍ من التلامیذ.
۵. تو از کارخانه می آیی.	۱۰. أنت ترجع من المصنع.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. فاطمه پستچی را می بینی. ________________

۲. شما به مسافرت می روند. ________________

۳. ما فراموش کردم. ________________

٤. من معلم سختگیری است. ________________

۵. شغل معلمی خیلی مفید هستند. ________________

٦. میزان تحصیلات شما چند است؟ ________________

۷. مشخصات خود را بنویسید. ________________

۸. آن یوزپلنگ نر بودند. ________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

سختگیر	احتفال
جشن	متشدّد
استان	مكان الولادة
متأهل	متزوّج
شاگرد	غداء
ناهار	محافظة
محل تولد	تلميذ
مدرک تحصیلی	شهادة علمية

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

نر	________	مرده	________
رفت	________	ماده	________
زنده	________	ساکت	________
گوینده	________	برگشت	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. سختگیر : ________________________________

۲. بر می گردم: ________________________________

۳. جشن : ________________________________

۴. مشخصات: ________________________________

۵. قفس: ________________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. در ـ پرندگان ـ نگهداری ـ می شوند ـ قفس. ____________________

۲. در ـ استان ـ زندگی ـ های ـ پلنگ ـ می کند ـ شمالی. ____________________

۳. شما ـ چند ـ سانتی متر ـ قد ـ است؟ ____________________

٤. موزه ـ چه ـ حیات ـ در ـ دیدید ـ وحش؟ ____________________

٥. در ـ پـرواز ـ آسمان ـ می کنند ـ پرندگان ـ زیبا. ____________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

اصفهان یکی از ______ بزرگ و قدیمی ایران است . در این شهر ______ تاریخی فراوانی وجود دارد. مسجد امام اصفهان از ______ قدیمی و بسیار ______ ایران و جهان اسلام است. در این شهر ______ بزرگی وجود دارد که ______ عالی قاپو از ______ قدیمی دوره صفوی در آن بنا شــده و این میدان در گذشته ورزشی سنتی ______ انجام می داده اند.

«النعت»

توجد في الفارسية كالعربية نعوت تأتي بعد المنعوت أو الموصوف:

أمثلة:

۱ ـ من کتاب کوچکی خریدم. (إشتريت كتاباً صغيراً.)

۲ ـ در حیاط بزرگ قدم زدیم. (تجوّلنا في الساحة الكبيرة.)

۳ ـ زیر درخت بلند کمی استراحت کردیم. (استرحنا قليلاً تحت الشجرة الكبيرة.)

۴ ـ مرد جوان شتابان آمد. (جاء الرجل الشاب مُسرعاً.)

۵ ـ دخترک زیبا در خیابان می دوید. (الطفلة الجميلة كانت تركض في الشارع.)

۶ ـ خیابانهای شلوغ موجب ترافیک می شود. (الشوارع المزدحمة تسبب زحام المرور.)



جشن عروسی سنتی



درس بیست و ششم

۲۶ موزه حیوانات



واژگان درس

گوزن :	أيّل	بز کوهی :	الطيس
گوشتخوار :	سبع، آکل اللحم	گیاهخوار :	مجترّ / نباتي
کبوتر :	حمامة	چاه :	بئر
مرده :	میت	زنده :	حَيّ
کوسه :	سمكة القرش	خشکی :	بَرّ
روباه :	ثعلب	شغال :	ضبع
گرگ :	ذئب	لاک پشت :	سلحفاة
قورباغه :	ضفدع	مرغ :	دجاجة
خروس :	دیک		



ساختارهای گفتاری درس

کبوتر چاهی :	الحمام الزاجل
دوزیست :	برّمائي
حلال گوشت :	حلال
حیوانات اهلی :	الحيوانات الأليفة
آبزی :	المائي
به جای :	بدلاً مِن
این برای من مهم است :	هذا يهمّني



بازدید از موزه حیوانات (۱)

محسن: اینها گوزن هستند و اینها بز کوهی و اینها آهو هستند. این حیوانات گیاهخوار هستند.

حسن: گیاهخوار یعنی چه؟

محسن: گیاهخوار یعنی «مجترّ». یعنی از گیاه تغذیه می کنند.

حسن: تغذیه می کند یعنی می خورد، گوشت خوار یعنی گوشت می خورد.

محسن: آفرین، درسته. اینها کبوتر هستند، کبوتر چاهی یعنی کبوترهایی که در چاه زندگی می کنند.

محسن: اینها کلاغ هستند، کلاغ پرنده ای است که هم گیاهخوار است هم گوشت خوار است.

حسن: اینها زندگی دارند؟

محسن: اینها زنده نیستند، اینها مرده هستند، این حیوانات مرده هستند.

حسن: حیوانات جمع حیوان است.



بازدید از موزه حیوانات (۲)

محسن: این کوسه است، کوسه در دریا زندگی می کند. کوسه گوشتخوار و صیاد است.

محسن: کوسه نوعی ماهی است، ماهی ها آبزی هستند. آبزیان یعنی حیواناتی که در آب زندگی می کنند.

حسن: کوسه آبزی است.

محسن: حیواناتی که هم در آب و هم در خشکی زندگی می کند، دوزیست هستند.

حسن: دوزیست مثل قورباغه، وزغ، لاک پشت.

محسن: آفرین، اینها روباه هستند، اینها شغال و اینها گرگ هستند.

حسن: روباه و شغال گرگ گوشتخوار هستند.

محسن: دسته این هم شیر، شیر نر و شیر ماده به بچه های شیر توله می گویند.

حسن: مرغ ماده و خروس نر است.

محسن: درسته ، خروس ها تاج دارند. فرق پرنده ها با دیگر جانوران چیست؟

حسن: پرنده ها پر، منقار و بال دارند.

محسن: پرنده به جای دست بال دارد و به جای دهان منقار و به جای مو پر دارند.

محسن: درسته، اینجا حیوانات اهلی هستند، مثل گاو، گوسفند، بز، قاطر، است، الاغ.

حسن: اینها حلال گوشت هستند.

محسن: بله این برای مسلمانان مهم است.

درک مطلب

۱. گوزن چه غذایی می خورد؟

۲. آیا کبوتر چاهی در کجا زندگی می کند؟

۳. حیوانات موزه زنده بودند؟

٤. کوسه در کجا زندگی می کند؟

۵. حیواناتی که در خشکی و آب زندگی می کنند چه نام دارند؟

٦. چه حیواناتی گوشتخوار هستند؟

۷. فرق پرندگان با دیگر حیوانات چیست؟

۸. خروس نر است یا ماده؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. کجا زندگی می کنید؟ (أين تسكن؟)

۲. چه غذایی می خورید؟ (ماذا تأكل من الطعام؟)

۳. فرق این با آن چیست؟ (ما هو الفرق بين هذا و ذاک؟)

٤. این کتاب را به جای آن بردار. (خذ هذا الكتاب بدلاً من ذلک)

٥. حیوانات اهلی در مزرعه زندگی می کنند. (تعيش الحيوانات الأليفة في المزرعة.)

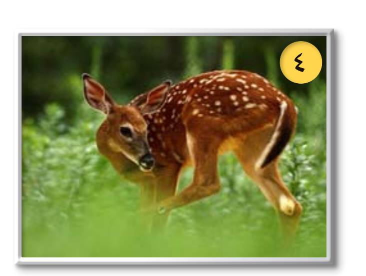
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

گَوَزن ـ آهو ـ بز ـ گوسفند ـ کرگدن ـ سمور











تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

١. مرغ به جای مو پر دارد.	٦. نسمّي صغير الأسد بالشبل.
٢. ماهی در آب زندگی می کند.	٧. للديک عرف.
٣. خروس تاج دارد.	٨. للدجاجة ريشٌ بدلاً من الشعر.
٤. به بچه شیر توله می گوییم.	٩. الكلب يأكل اللحم.
٥. سگ گوشت می خورد.	١٠. تعيش السمكة في الماء.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

١. کوسه در دریا زندگی کند. ______

٢. حیواناتی که در خشکی و دریا زندگی کردند دوزیست هستند. ______

٣. به بچه شیر توله می گفتند. ______

٤. پرنده به جای دست بال دارند. ______

٥. گیاهخواران از گیاه تغذیه می کند. ______

٦. حیوانات اهلی سودمند هستند. ______

٧. مرغ و خروس حلال گوشت است. ______

٨. کبوتر چاهی در چاه زندگی کرد. ______

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

بال	برّمائي
خشکی	اسد
ماهی	بَرّ
مو	حیوانات
پر	ریش
جانوران	جناح
دوزیست	سمکة
شیر	شعر

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

خشکی	________	نمی خورد	________
حلال	________	آب	________
به دنیا آمد	________	خشک	________
می خورد	________	حرام	________
تر	________	مُرد	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. خشکی : ________________________________

۲. دریا: ________________________________

۳. کلاغ : ________________________________

۴. زنده بود: ________________________________

۵. فرق: ________________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. در ـ کوهستان ـ بز ـ زندگی ـ می کند ـ کوهی. ______________________

۲. از ـ حیوانات ـ کلاغ ـ است ـ اهلی. ______________________

۳. ها ـ بالهای ـ کبوتر ـ پرواز ـ با ـ خود ـ می کنند. ______________________

٤. پر ـ آب ـ دریا ـ از ـ است. ______________________

۵. در ـ جانوران ـ روستا ـ اهلی ـ زندگی ـ می کنند. ______________________

ز. جاهای خالی را با کلمات داخل کادر پر کنید.:

محسن: روزی از ______ کنار ______ لاک پشتی زندگی می کرد او ______ عاقل بود و همه حیوانات جنگل را ______ می کرد. امّا ______ در همسایگی او زندگی می کرد که بسیار ______ بود و از اینکه لاک پشت مورد ______ حیوانات بود به او ______ می ورزید. ______ در بین حیوانات گفت که ______ دارد با لاک پشت دو بدهد. روز ______ فرا رسید، قرار شد آنها ده بار دور ______ بدوند و هر کس ______ به خط ______ رسید برنده است.

(القسم الثاني في الدرس القادم)

برکه / راهنمایی / روزها / بسیار / احترام / حسد / مغرور / دوست / موعود / مسابقه / پایان / زودتر / برکه / خرگوش

«التفضيل»

في الفارســية توجد مرتبتان للتفضيل و هما بين شــيئين أو بين شيء و جميع نظرائه. فللأول نضيف حرف «تر» إلى آخر النعت و للثاني نضيف «ترين» إلى آخر النعت فمثلاً (اكبر من: بزرگتر) (اكبر الجميع: بزرگترين)

أمثلة:

١ ـ على بزرگتر از برادرش است. (علي اكبر من أخيه.)

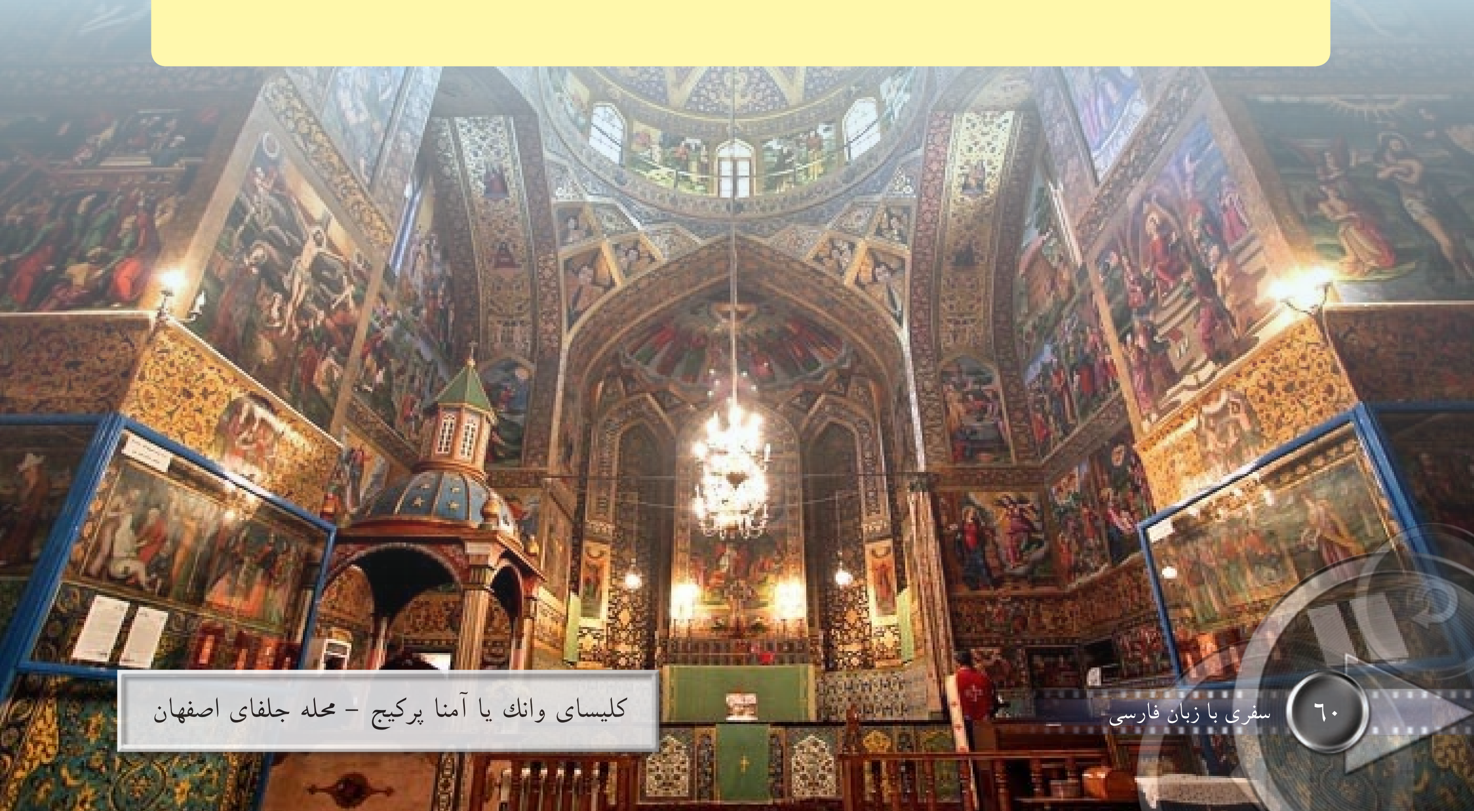
٢ ـ فاطمه باهوش تر از دوستش است. (فاطمة هي أذكى مِن صديقتها)

٣ ـ خانه ما كوچكتر از خانه عمويم است. (بيتنا أصغر مِن بيت عمي.)

٤ ـ پيامبر (ص) برترين مردم است. (النبي (ص) افضل الخلق.)

٥ ـ تهران بزرگترين شهر ايران است. (طهران اكبر المدن الايرانية.)

٦ ـ برج ميلاد در تهران بلندترين ساختمان است. (برج ميلاد في طهران أعلى المباني.)



كليساى وانك يا آمنا پركيچ – محله جلفاى اصفهان

درس بیست و هفتم





۲۷ دزد



واژگان درس

دزد :	لصّ / سارق	پرید :	قفز
پایین :	الاسفل	خبر کنیم :	نُخبر / نعلن
پلیس :	الشرطي	بن بست :	الطریق المسدود
سروان :	عقید	اظهارات :	تصریحات
شکستن :	الانکسار	شیشه :	زجاجة
برپا کردن :	إقامة / نصب		

ساختارهای گفتاری درس

آرام باش :	کن هادئاً
خواهش می کنم :	أطلب / أرجو
در حال نماز خواندن بودم :	کنت مشغولاً باداء الصلاة
می ترسیدم :	کنت أخاف
برای همگی :	للجمیع
چه اتفاقی افتاد؟ :	ماذا حَدَث؟
در خدمت مردم هستیم :	نحن في خدمة الشعب

گفتگوی اول

دزد

محسن: دزد، دزد، دزد آمده

حسن: سلام، دزد از این پنجره پرید پایین.

پدر: حسن جان آرام باش.

مادر: دزد از این پنجره به پایین پرید.

محسن: باید به پلیس ۱۱۰ تماس بگیریم.

حسن: بله بله پلیس باید پلیس خبر کنیم. من چه بگویم؟

محسن: صحبت کن.

پلیس: پلیس ۱۱۰ بفرمائید.

حسن: سلام آقای پلیس، ببخشید اینجا دزد آمده.

پلیس: اسم و آدرس و شماره تلفن شما چیست؟

حسن: خیابان شمیران، خیابان ناصر خسرو، کوچه شهید حسین مؤمنی، بن بست اول، پلاک یک. آقای پلیس ما در خطر هستیم عجله کنید.

پلیس: ما تا ده دقیقه دیگر آنجا هستیم.

حسن: خیلی ممنون.

گفتگوی دوم

با پلیس

پلیس: سلام، سروان حمیدی هستم در خدمت شما.

پدر: سلام جناب سروان خیلی خوش آمدید.

محسن: سلام جناب سروان.

پلیس: لطفاً بفرمائید بنشینید من اظهارات شما را خواهم نوشت، بفرمائید.

پلیس: من از حسین آقا خواهش می کنم برای همگی چای بیاورند.

پلیس: من از حسن عبدالله خواهش می کنم که راجع به اتفاقات امشب توضیح بدهند.

حسن: من در حال نماز خواندم که ...

پلیس: نه من در حال نماز خواندن بودم که ...

حسن: بله، که صدای شکستن شیشه را شنیدم.

پلیس: بعد از آنکه شما صدای شکستن شیشه را شنیدید چه اتفاقی افتاد؟

پلیس: محسن جان شما لطف کنید تخته را بر پا کنید.

مادر: قبل از اینکه شما بیایید اینجا دزد آمده بود.

حسن: قبل از اینکه شما بیایید من می ترسیدم، بعد از اینکه شما آمدید دزد رفت.

پلیس: آفرین ما همیشه در خدمت مردم هستیم.

درک مطلب

۱. چه کسی فریاد زد دزد؟

۲. دزد از کجا رفت؟

۳. با چه کسی تماس گرفتند؟

٤. حسن به پلیس چه گفت؟

٥. پلیس چه وقت رسید؟

٦. نام پلیس چه بود؟

۷. پلیس چه چیزی را می نویسد؟

۸. صدای شکستن چه چیزی آمد؟

جمله های پر کاربرد روزمره

١. با صدای بلند فریاد زد. (صَرَخَ بأعلی صوته.)

٢. به پاسگاه پلیس مراجعه کنید. (راجع مخفر الشرطة.)

٣. مشکل شما چیست؟ (ما هي مشكلتكم؟)

٤. از چه می ترسید؟ (ما سبب خوفكم؟)

٥. پلیس به شما کمک خواهد کرد. (الشرطي يساعدكم)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

پلیس ـ سرباز ـ اتومبیل پلیس ـ تفنگ ـ باتوم ـ دستبند

١


٢


٣


٤


٥


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

١. من پس از ناهار یک لیوان آب می نوشم.	٦. كان عندنا امتحان في الاسبوع الماضي.
٢. چهره اش را دیدی؟	٧. أنا كنت أول من رأى اللصّ.
٣. ما هفته قبل امتحان داشتیم.	٨. ماذا قد لبس؟
٤. چه لباسی پوشیده بود؟	٩. أنا أشرب كأساً من الماء بعد الغداء.
٥. من اولین نفری بودم که دزد را دیدم.	١٠. هل رأيت وجهه.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

١. آن مرد کلاه داشتند. ______________________

٢. بر روی صورتش نقاب زده بود. ______________________

٣. شما برای تکمیل پرونده به پاسگاه بیاید. ______________________

٤. اگر بمانید ما خوشحال می شود. ______________________

٥. ما می رویم نان می خرم. ______________________

٦. من سه تا نان می خواهی. ______________________

٧. من اینجا کاری نداریم. ______________________

٨. بیشتر از این مزاحم نمی شوم. ______________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

باران	قبّعة
تاریک	قوات الامن
کلاه	مطر
نیروی انتظامی	مظلم
دزد	شرطة
رنگ	لصّ
پلیس	لون

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

تاریک ______	روشن ______
اولین ______	نورانی ______
خاموش ______	آفرین ______
آینده ______	گذشته ______

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. دزد : ______

۲. فریاد زد: ______

۳. پرید : ______

٤. لباس : ______

۵. فردا: ______

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. پنجره ــ از ــ پایین ــ پریدم ــ من ــ به. ______

۲. الآن ــ مأموریت ــ در ــ من ــ هستم. ______

۳. بیایید ــ فردا ــ تکمیل ــ برای ــ مقر ــ پرونده ــ پلیس ــ به. ______

٤. لباس ــ دزد ــ بود ــ چه ــ رنگ؟ ______

۵. با ــ برای ــ نان ــ به ــ من ــ دوستم ــ خرید ــ بازار ــ می رویم. ______

ز. جاهای خالی را با کلمات داخل کادر پر کنید:

کبوتر دستمال سفیدش را از ______ درخت به ______ رها کرد و مسابقه ______ شد. خرگوش به سرعت ______ و چند بار دور ______ دوید اما ______ به آرامی حرکت می کرد. و هنوز ______ برکه را طی نکرده بود. خرگوش هر بار که به او ______ او را ______ می کرد. در دور ______ خرگوش فکر کرد که چرا آنقدر ______ می کند زیرا که لاک پشت ______ نمی تواند به او برسد. برای همین شروع به ______ کرد و با سنجابهای بالای ______ و روی ______ بالا و پایین ______ و بازی می کرد. و از ______ جنگل می خورد. اما لاک پشت بدون استراحت و توقف ______ می رفت.

شروع / زمین / پایین / برکه / تلاش / لاک پشت / دور / هفتم / مسخره / بازی / پیش / میوه های

«الجمع»

في اللغة الفارسية يوجد الاسم إمّا مفرداً و إمّا جمعاً و لا يوجد المثنى . و علامت الجمع أن نضيف إلى آخر الاسم إمّا «ها» أو «ان» و أحياناً يجمع بعض الاسماء بكلا الشكلين.

مرد (رجل) مردان ـ مردها　　　درخت (شجرة) درختان ـ درخت ها

مدرسه ـ مدرسه ها　　　کتاب ـ کتاب ها

مداد ـ مدادها　　　انسان ـ انسانها

أمثلة:

۱ ـ ابن سینا از دانشمندان ایرانی است. (ابن سينا من العلماء الايرانيين.)

۲ ـ من شاعران فارسی را می شناسم. (أنا أعرف الشعراء الايرانيين.)

۳ ـ درختان را قطع کردند. (قطعوا الاشجار)

۴ ـ این کتابها را از کجا خریدی؟ (من أين إشتريت هذه الكتب؟)

۵ ـ پلیس دزدان را دستگیر کرد. (ألقت الشرطة القبض على اللصوص.)



عشایر آذربایجان شرقی


درس بیست و هشتم

۲۸ در پاسگاه پلیس



واژگان درس

مقرّ :	مركز
إحضار كرد :	استدعاه/ دعاه إلى
مشكل :	مشكلة
ديشب :	ليلة البارحة
پاسگاه :	مخفر
پی گيری :	متابعة
سرباز :	جندي

ساختارهای گفتاری درس

نيروی انتظامی :	قوات الأمن
چون كه :	لأنّ
دزد زده است :	سرقه اللص
تشكيل پرونده :	فتح ملفّ
اتاق افسر نگهبان :	غرفة الضابط المناوب



در پاسگاه پلیس (۱)

محسن: ما به مقرّ نیروی انتظامی می رویم.

حسن: بله اما چرا سروان حمیدی ما را به مقر نیروی انتظامی خواست؟

محسن: او ما را به مقرّ نیروی انتظامی احضار کرده است.

حسن: ما باید برای تشکیل پرونده به آنجا برویم. اما چرا؟

محسن: چون که پلیس بتواند مسئله ای را پی گیری کند. مسئله دزدی از خانه ما را.

حسن: مسئله یا مشکل دزدی؟

محسن: برای اینکه پلیس بتواند مسئله دزدی از خانه ما را پی گیری کند.

حسن: پس باید با سروان حمیدی صحبت کنیم.

محسن: بله او مسئول پی گیری پرونده است.

در پاسگاه پلیس(۲)

حسن: سلام جناب سروان.

سرباز: سلام من سروان نیستم من سرباز هستم.

حسن: بله جناب سرباز ما برای ...

سرباز: شما متهم هستید برای اعتراف آمدید؟

حسن: متهم؟ اعتراف؟

حسن: ما متهم نیستیم ما برای اعتراف نیامدیم. دیشب به خانه ما دزد آمده بود.

سرباز: خانه شما را دزد زده است پس به اتاق افسر نگهبان تشریف ببرید؟

حسن: بله، خیلی ممنون.

افسر نگهبان: بفرمائید در خدمت شما هستم.

حسن: دیشب به خانه ما دزد آمده بود ما با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتیم. آقای سروان حمیدی به خانه ما آمدند.

افسر نگهبان: به شما گفتند که فردا به مقر نیروی انتظامی تشریف بیاورید.

حسن: بله، ایشان به ما گفتند.

افسر نگهبان: خیلی ممنون که آمدید.

درک مطلب

۱. حسن و محسن به کجا رفتند؟

۲. سروان حمیدی از آنها چه خواست؟

۳. برای چه کاری به مقر پلیس رفتند؟

٤. چه مشکلی پیش آمده بود؟

۵. مسئول پی گیری پرونده کیست؟

٦. سرباز فکر کردند آنها برای چه کاری آمدند؟

۷. آنها را به اتاق چه کسی راهنمایی کرد؟

۸. چه وقت به خانه آنها دزد آمده بود؟

جمله های پر کاربرد روزمره

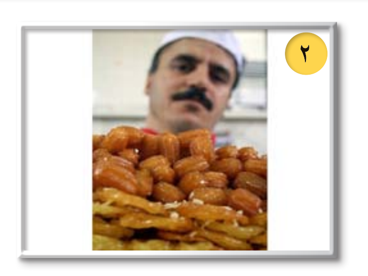
۱. پاسگاه پلیس کجاست؟	(أين مخفر الشرطة؟)
۲. افسرکشیک کیست؟	(من هو الضابط المناوب؟)
۳. برای این مشکل پرونده تشکیل دهید.	(إفتحوا ملفاً لهذه المشكلة.)
٤. پرونده به دادگاه ارجاع شد.	(أحيل الملفّ إلى المحكمة)
۵. متهم تحت پی گیری پلیس است.	(المتهم تحت ملاحقة الشرطة.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

سرباز ـ پلیس راهنمایی ـ قصاب ـ پارچه فروش ـ شیرینی فروش











تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. پلیس متهم را دستگیر کرد.	٦. إتصلنا بالشرطة.
۲. ما با پلیس تماس گرفتیم.	۷. لیلة البارحة جاء لص إلی بیتنا.
۳. دیشب دزد به خانه ما آمده بود.	۸. سُرق محل الصیاغة.
٤. مظنون ها را زندانی کردند.	۹. ألقی الشرطي القبض علی المتهم.
٥. طلافروشی مورد دست بُرد قرار گرفت.	۱۰. حبسوا المشبوهین.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. این کار برای من مشکل نیستند. ______________________

۲. او ما را به مرکز پلیس احضار کرده اند. ______________________

۳. پلیس دزدی خانه ما ار پی گیری می کنیم. ______________________

٤. حسن آقا شما هنرپیشه خوبی می شوند. ______________________

٥. این امتحان سخت نیست. ______________________

٦. ما به سه نفر نیاز دارند. ______________________

۷. میهمانان روی صندلی نشستند. ______________________

۸. من چیزهای زیادی یاد گرفتیم. ______________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

امتحان	الامن
امنیت	المُمثّل
نقش	الوقوف
افسر	یضحک
ایستادن	الاختبار
هنرپیشه	دور
می خندد	الضابط
سرباز	الجندي

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

سخت ________	نزدیک ________
نشستن ________	آسان ________
نداریم ________	برخاستن ________
دور ________	داریم ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. دستگیر : ________________________________

۲. افسر: ________________________________

۳. گوش دادن : ________________________________

٤. دزدی : ________________________________

۵. بازداشت کردن : ________________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. روی ـ معلم ـ تخته ـ می نویسد. ________________

۲. دستگیر ـ دزد ـ مان ـ را ـ خانه ـ کرد ـ پلیس. ________________

۳. به ـ آمدند ـ افسر ـ خانه ـ پلیس ـ ما. ________________

٤. با ـ تماس ـ گرفتند ـ کسی ـ چه؟ ________________

۵. از ـ شــکایت ـ همسایه ـ دزد ـ مان ـ کرد. ________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

گروهبان : ببخشید ______ ، مظنون ها را ______ کردند.

افسر نگهبان: بیاورشان، بیایید ______ بنشینید و خوب ______ .

استوار: ______ قربان.

افسر نگهبان: خب ______ شما به ______ از طلا فروشی مظنون ______ .

مرد اول: قربان ما ______ .

افسر نگهبان: اما ______ طلافروشی از شما ______ کرده است.

مرد اول: ما در ______ دوستمان ______ . دوستمان یعنی ______ ما.

افسر نگهبان: شاهد شما ______ ؟

الصفات المضادة

توجد في الفارسية صفات مضاداتها الفاظ خاصة. فمثلاً نقول: سیر (شبعان) / گرسنه (جائع)، خوابیده (نائم) / بیدار (مستيقظ)، بلند (طويل) / کوتاه (قيصر)

و امّا هناک صفات تستخدمها بشكلٍ منفي باضافة حرف «نا» في اولها و هي بمعنى «غير»

فمثلاً: خرسند (راضٍ) / ناخرسند (غير راضٍ)

مهربان (حنون) / نامهربان (غير حنون)

أمثلة:

١ ـ سعید از این برنامه ناراحت است . (سعيد غير مرتاح إلى هذا البرنامج.)

٢ ـ این مقدار پول برای خرید ناکافی است. (هذا المبلغ من المال غير كافٍ للشراء.)

٣ ـ این مسافر ناآشنا است. (هذا المسافر غريب.)

۴ ـ من از کار شما ناآگاه نیستم. (لست جاهلاً بأمركم.)

۵ ـ پاسخ سؤال نادرست است. (إجابة السؤال غير صحيح.)



مسجد جمکران – قم



درس بیست و نهم

۲۹ کنار رودخانه



واژگان درس

اتوبان : الطریق السریع / الطریق الواسع / اتو استراد

تعطیل : عطلة

سرما : البرودة

گرما : الحرارة

خاک : التراب

نور : ضوء

پاک : طاهر / نقي

نمناک : رَطِب

خورشید : شمس

تفریح : ترفیه

گردش : استجمام

کوه : جبل

دشت : سهل

رودخانه : نهر

بیابان : صحراء

شنزار / کویر : بیداء



ساختارهای گفتاری درس

تعطیلات آخر هفته : عطلة اسبوعية

به کجا می رویم؟ : أین نذهب؟

آواز پرندگان : تغرید الطیور

به هم پیوستیم : إجتمعنا / إلتحق بعضنا البعض

این شعر را خودت سرودی؟ : هل أنت أنشدت هذا الشعر؟

ما پرشور هستیم : نحن متحمّسون

گریه می کنم: أبكي

گفتگوی اول

داخل اتومبیل

محسن: اینجا اتوبان است.

حسن: بله، می دانم اینجا اتوبان است.

محسن: امروز تعطیل است. تعطیلات آخر هفته.

حسن: تعطیلات آخر هفته ما به کجا می رویم؟

محسن: ما به طبیعت می رویم. ما به تفریح می رویم، گردش یا تفریح.

حسن: طبیعت یعنی؟؟

محسن: طبیعت یعنی کوه، دشت، جنگل، رودخانه، بیابان، شنزار ، کویر، طبیعت یعنی فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان. طبیعت یعنی سرما و گرما، طبیعت یعنی آواز پرندگان.

حسن: محسن شاعر است!

گفتگوی دوم

کنار رودخانه

محسن: اینجا طبیعت است.

حسن: طبیعت زیباست.

محسن: من شعری برایت نوشته ام، الآن فکر می کنم تو بتوانی معنی شعرهای ساده را درک کنی.

حسن: من، تو، او ... ما هستیم، ما باهم پیوستیم.

حسن: من ابرم، می بارم می گریم ، نم نم نم.

محسن: من ابر هستم، من می بارم ، من گریه می کنم.

حسن: من خاکم، من پاکم، از باران نمناکم.

محسن: من از باران نمناکم.

حسن: من نورم، امیدم، تابانم.

محسن: من خورشید هستم، ما پرشور هستیم.

حسن: آیا این شعر را خودت سرودی؟

محسن: نه شاعر این شعر آقای اسدالله شعبانی است.

درک مطلب

۱. تعطیلات آخر هفته به کجا می روند؟

۲. چه چیزهایی در طبیعت هست؟

۳. برای چه به طبیعت می روند؟

٤. محسن برای حسن چه نوشته است؟

۵. شاعر این اشعار کیست؟

٦. کجا این اشعار را خواندند؟

۷. آیا طبیعت به نظر محسن زیباست؟

۸. فصل های طبیعت چیست؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. امروز شنبه است.	(اليوم هو السبت)
۲. فردا به دیدنت می آیم.	(غداً سأزورک)
۳. دوشنبه به دانشگاه رفتم.	(يوم الإثنين ذهبت إلى ا لجامعة.)
٤. سه شنبه هوا آفتابی است.	(الطقس مشمس يوم الثلاثاء.)
٥. پنج شنبه تعطیل است.	(يوم الخميس عطلة.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

ابری ـ آفتابی ـ برفی ـ مه آلود ـ بارانی ـ توفانی

١



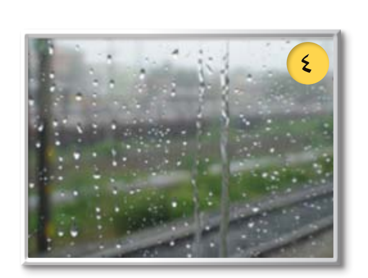
٢



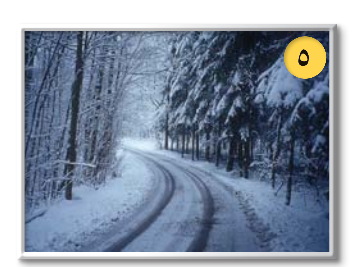
٣



٤



٥



٦



تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. الآن در فصل تابستان هستیم.
۲. در چه ماهی به کشور برمی گردی؟
۳. من موافق هستم برای خوردن ناهار برویم.
٤. من از همه شما خیلی متشکرم.
۵. باران از ابر فرو می ریزد.

٦. في أي شهرٍ تعود إلى البلد؟
۷. أوافقک أن نذهب للغداء.
۸. نحن الآن في فصل الصيف.
۹. تنزل الامطار من الغيوم.
۱۰. اشكركم جميعاً.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. امروز هوا خیلی خوب هست. ____________________

۲. تو دانشجوی خوبی هستیم. ____________________

۳. این شعر را دوستم دیروز می نویسد. ____________________

٤. ما در زیر باران خیس شدم. ____________________

۵. این غذای خوش مزه ای است. ____________________

٦. دست پخت مادر خیلی خوبی. ____________________

۷. امروز چهارشنبه هست. ____________________

۸. من با شما موافق هستید. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

بیابان	البکاء
رودخانه	متحمس
امید	صحراء
خورشید	نهر
پرندگان	الانشاد
سرودن	طیور
گریه	الامل
پرشور	شمس

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

کنار ________ جدا شدیم ________

ساده ________ وسط ________

پیوستیم ________ پیچیده ________

خشک ________ تر ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. شعر : ________

۲. طبیعت: ________

۳. گردش رفتیم : ________

۴. تعطیلات : ________

۵. می خواند ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. در ـ می تابد ـ زیبا ـ خورشید ـ آسمان. ________________

۲. زمین ـ نمناک ـ باران ـ را ـ می کند. ________________

۳. پراکنده ـ ابرها ـ در ـ شدند ـ آسمان. ________________

٤. آخر ـ به ـ می رویم ـ هفته ـ گردش ـ ما ـ تعطیلات. ________________

۵. پرشور ـ شهر ـ این ـ هستند ـ جوانان ـ بسیار. ________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: ______ مادر خیلی خوب است، خیلی ______ است.

مادر: ______ پسرم.

پدر: خب همگی ______ که برویم؟

حسن: بله اما ______ برویم؟

پدر: به تهران برویم به خانه ______ من ______ باید به ______ بروم.

حسن: چرا شما ______ باید به بیمارستان بروید؟ آیا شما ______ هستید؟

محسن: نه، پدر ______ نیست، فردا نوبت کاریشان است.

حسن: آه ______ کرده بودم.

دستور زبان

الماضي الأكمل

في الفارســية يســمّى الماضي الأكمل و هو الماضي الذي يدل على عملٍ سابق على عملٍ آخر و قد انتهى ذلک العمل، بالماضي البعيد مثل: پيش از آمدن او کارهايم را تمام کرده بودم. (کنت قد أنهيتُ أعمالی قبل قدومه.) و يکفي لصياغته هذا الأســلوب أن نضيف «ها» إلی آخر الماضي البسيط و نأتي بمشتقاتٍ من فعل «بودن» حسب الفاعل.

أمثلة:

۱ ـ تحصيلش را تمام کرده بود. (کان قد أنهی دراسته.)

۲ ـ همه پولش را برای خريد اتومبيل خرج کرده بود. (کان قد أنفق جميع ماله لشراء السيارة.)

۳ ـ تو قبلاً اين داستان را خوانده بودي؟ (هل کنت قد قرأتَ هذه القصة من قبل؟)

۴ ـ آنان از سفر بازگشته بودند. (کانوا قد عادوا من السفر.)

۵ ـ ما هفته گذشته به گردش رفته بوديم. (کنا قد ذهبنا إلى الاستجمام في الاسبوع الماضي.)



مراسم سنتی عضوا - جزیره قشم


درس سی ام

۳۰ در تعمیرگاه



واژگان درس

تعمیرگاه : ورشة التصليح

لاستیک : دولاب

تراکتور : جرّار

قبرستان : مقابر / جبانة

نامگذاری : التسمية

جاده اصلی : الطريق الرئيسي

می خوابیم : ننام

ماشین های سنگین: شاحنات

شعار : الهُتاف



ساختارهای گفتاری درس

امشب را در هتل می گذرانیم : نقضي هذه الليلة بالفندق

انقلاب اسلامی : الثورة الاسلامية

جنگ تحمیلی : الحرب المفروضة

پشت سر گذاشتیم : جاوزنا / قضينا

پنچرگیری : تلحيم الدواليب

اماکن عمومی : المرافق العامّة

گفتگوی اول

در تعمیرگاه

حسن: سلام ببخشید آیا اینجا تعمیرگاه هست؟

مرد: سلا، بله در جاده اصلی تعمیرگاه هست.

حسن: خیلی ممنون.

مرد: خواهش می کنم.

محسن: اگر تعمیرگاه لاستیک نداشت ما مجبوریم امشب را در هتل بگذرانیم.

حسن: بله فهمیدم، اگر تعمیرگاه لاستیک نداشت ما مجبوریم امشب را در هتل بگذرانیم. حالا اگر تعمیرگاه لاستیک داشت؟

محسن: ما امشب در خانه مان می خوابیم.

محسن: سلام آقا ببخشید شما لاستیک خودرو دارید؟

تعمیر کار: سلام ، خودروتان چیست؟

حسن: پژو ۴۰۵ شش در.

تعمیرکار: نداریم، ما فقط لاستیک تراکتور و خودروهای سنگین را داریم.



زیارت قبور شهدا

حسن: امروز به قبرستان شهدا می رویم.

پدر: سالها قبل در ایران انقلاب اسلامی برپا شد.

حسن: بله می دانم در سال ۱۹۷۵.

محسن: در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی.

حسن: شما با شعار الله اکبر انقلاب کردید.

مادر: ما انقلاب و جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشتیم.

حسن: جنگ تحمیلی و پشت سرگذاشتن یعنی چه؟

محسن: جنگ تحمیلی یعنی الحرب المفروضة.

محسن: اینجا بهشت زهرا است. بهشت زهرا یعنی «جنة الزهراء».

محسن: ما برای قبرستان بزرگ هر شهر یک اسم می گذاریم بهشت زهرا، بهشت محمدیه و ...

حسن: بهشت زهرا چه اسم قشنگی است!!

درک مطلب

۱. حسن به دنبال چه جایی می گردد؟

۲. از تعمیرگاه چه چیزی می خواهد؟

۳. لاستیک چه اتومبیلی در آنجاست؟

٤. امروز حسن به دیدار چه جایی می رود؟

٥. انقلاب اسلامی در کجا رخ داد؟

٦. ایرانیان با چه شعاری انقلاب کردند؟

۷. نام قبرستان بزرگ تهران چیست؟

۸. انقلاب اسلامی در چه سالی پیروز شد؟

جمله های پر کاربرد روزمره

١.آیا اتومبیل دارید؟	(هل عندکم سیارة؟)
٢. تعمیرگاه ماشین کجاست؟	(أین ورشة السیارات؟)
٣. اتومبیل من خراب شده است.	(سیارتي عاطلة/ معطوبة)
٤. لوازم یدکی دارید؟	(هل عندکم قطع غیار؟)
٥. باید اتومبیلتان تعمیر شود.	(لابدّ من تصلیح سیارتکم.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

تعمیرگاه ـ ماشین ـ لاستیک ـ فرمان ـ دنده ـ ترمز











تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

١. اتومبیل را به تعمیرگاه بردیم.	٦. قضینا الامتحانات.
٢. ما امتحانات را پشت سرگذاشتیم.	٧. ذهبنا بالسیارة إلی الورشة.
٣. جنگ تحمیلی را به یاد می آورم.	٨. یا له من اسم جمیل!!
٤. به زیارت قبر شهدا رفتیم.	٩. أتذکّر الحرب المفروضة.
٥. چه اسم زیبایی!!	١٠. ذهبنا لزیارة مقابر الشهداء.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

١. ایرانیان انقلاب اسلامی را برپا کنند. ________________

٢. جنگ تحمیلی هشت سال طول کشد. ________________

٣. ما امروز به دیدار موزه رفتند. ________________

٤. سختی های این کار را پشت سر گذاشتیم. ________________

٥. اینجا مکان خصوصی است. ________________

٦. مردم شعارهای الله اکبر سر دادید. ________________

٧. ما برای هر مکان اسمی می گذارند. ________________

٨. چرا دوستت را به ما معرفی نکردند؟ ________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

انقلاب	مقابر
لاستیک	ورشة التصلیح
قبرستان	الثورة
صبحت می کند	لابدّ
جنگ	دولاب
تعمیرگاه	الحرب
باید	یتحدّث

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

اصلی	________	ببر	________
عمومی	________	خصوصی	________
مجبور	________	مختار	________
بیاور	________	فرعی	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. شهید : ________________________________

۲. اسم می گذاریم: ________________________________

۳. انقلاب اسلامی : ________________________________

۴. جنگ : ________________________________

۵. برپاکردند : ________________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. گذاشتیم ـ یکی ـ ما ـ را ـ مشکلات ـ پشت ـ سر. ____________________

۲. پیروزی ـ در ـ اسلامی ـ رسید ـ ایران ـ انقلاب ـ به. ____________________

۳. رفتند ـ به ـ دوستان ـ زیارت ـ قبرستان ـ عمومی. ____________________

۴. کرد ـ تعمیرگاه ـ را ـ اتومبیل ـ تعمیر. ____________________

۵. کشید ـ هشـــت ـ جنگ ـ طول ـ تحمیلی ـ سال. ____________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: بله اینجا هم ______ شهدا است.

حسن: ______ شهدا یعنی هر شهید مثل یک ______ است.

محسن: بله ما هر شهید را به یک ______ تشبیه می کنیم.

محسن: در ______ ایران گل لاله ______ شهدا است.

حسن: در ______ ، ______ یعنی چه؟

محسن: ______ یعنی رمز.

حسن: در ______ ایران ______ لاله ______ شهید است.

«الماضي السابق»

و هو في الفارسية فعل يدل على حدوث فعل بعد فعل آخر و استمّر حتى الآن. و يسمّونه في الفارسية «ماضى نقلى»

مثل: رسيده (قد وَصَل) ـ خورده (قد أكل) و يكفي في صياغته أن نزيد «ه» في آخر الماضي البسيط بإضافة مشتق من فعل «است».

أمثلة:

١ ـ سرما پس از بارش برف فزونى يافته است. (قد اشتدّت البرودة بعد تساقط الثلج.)

٢ ـ خيابانها شلوغ شده است.(قد ازدحمت الشوارع)

٣ ـ كلاس پايان يافته است. (قد انتهى الصفّ.)

۴ ـ فصل بهار فرا رسيده است. (قد حان الربيع.)

۵ ـ بسته پستى ارسال شده است. (قد أرسلت الرزمة البريدية.)



جشن سده – كرمان


درس سی و یکم

۳۱ شهید گمنام



واژگان درس

آرامگاه :	المقبرة	بزرگوار :	العزيز / الكريم
کشته :	قتيل	بنده :	عبد
هنگام :	وقت	شهادت :	الاستشهاد
رشته :	فرع	گرایش :	اختصاص
احتیاج :	حاجة	همیشه :	دوماً
آینده :	المستقبل		

ساختارهای گفتاری درس

شهید گمنام :	الجندي المجهول
آخرین بار :	لآخرة مرّة
ما به دعای خیر شما نیاز داریم :	نحن بحاجة إلی حُسن دعاءكم
برای شما دعا می کنیم :	ندعو لكم
فارغ التحصیل :	الخرّيج / المتخرّج
اولین بار :	لأوّل مرّة

گفتگوی اول

شهید گمنام ۱

محسن: اینجا آرامگاه یک شهید گمنام است، آرامگاه یعنی محل آرامش، قبر را به آرامگاه تشبیه می کنیم.

حسن: آرامگاه شهید گمنام.

محسن: دوست داری با این شهید صحبت کنیم؟

حسن: بله دوست دارم با این شهید صحبت کنم.

شهید: سلام

محسن: سلام ای دوستدار خدا، سلام ای شهید بزرگوار.

شهید: سلام آقای حسن عبدالله به ایران خوش آمدید.

حسن: سلام آقای کشته در راه خداوند سبحان، سلام ای زنده، ای بنده خوب خدا.

شهید: من در هنگام شهادت چند سال داشتم؟

حسن: شما ۲۵ ساله بودید که شهید شدید.

شهید گمنام ۲

شهید: من فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات عربی بودم.

حسن: فارغ التحصیل یعنی چه؟

شهید: یعنی «خرّیج».

حسن: شما فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات عربی بودید.

شهید: آیا شما موافق هستید ما زمانهای افعال فارسی را مرور کنیم؟

حسن: بله من موافق هستم.

شهید: من برای آخرین بار به جبهه مهران رفتم.

حسن: شما چرا به جبهه می رفتید.

شهید: ما برای دفاع از دین و کشورمان به جبهه می رفتیم؟

حسن: آیا شما وصیت نامه نوشته بودید؟

شهید: بله من وصیت نامه نوشته بودم.

حسن: ما همیشه به دعای خیر شما شهیدان احتیاج خواهیم داشت.

شهید: آینده شما برای ما شهیدان مهم است، ما همیشه مراقب شما هستیم و برای شما دعا می کنیم.

درک مطلب

۱. در کجا با شهید صحبت کردند؟

۲. محسن به شهید چه عنوانی گفت؟

۳. شهید در هنگام شهادت چند ساله بود؟

٤. شهید در چه رشته ای فارغ التحصیل شده بود؟

۵. شهید برای آخرین بار به کدام جبهه رفته بود؟

٦. برای چه به جبهه می رفتند؟

۷. ما به چه چیزی نیازمندیم؟

۸. چه چیزی برای شهید مهم است؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱.در چه رشته ای فارغ التحصیل شدی؟ (في أيّ فرع تخرّجتَ؟)

۲. با من موافقی؟ (هل توافقني؟)

۳. آخرین بار کی سفر کردی؟ (متی سافرت لآخر مرّة؟)

٤. برای اولین بار او را دیدم. (رأيته لأول مرّة.)

۵. آیا علاقه داری صحبت کنیم؟ (هل ترغب في الحديث؟)

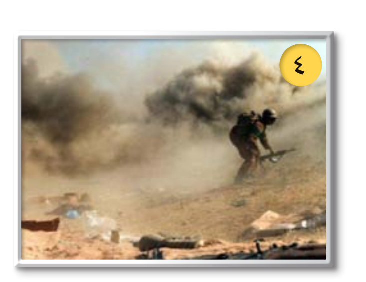
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

زیارتگاه ـ آرامگاه شهید ـ جبهه ـ راهپیمایی ـ کتابخانه ـ تاج گل

۱


۲ ۳


٤


۵


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. آخرین بار به کتابخانه رفتیم.	٦. كنا نذهب إلى المنتزه دوماً.
۲. ما از نعمت های الهی استفاده می کنیم.	٧. نحن نتمتّع بنعم الله تعالى.
۳. ما به کمک شما نیازمندیم.	٨. هل توافقني على أن نتغدّى في المطعم؟
٤. ما همیشه به پارک می رفتیم.	٩. ذهبت الى المكتبة لآخر مرّة.
٥. آیا موافق هستی ناهار را در رستوران بخوریم؟	١٠. سنحتاج إلى مساعدتكم.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. آینده شما برای ما مهم هستیم. ________________

۲. ما مراقب کودکانم هستیم. ________________

۳. مردم به دعای خیر شما نیاز دارید. ________________

٤. اکنون نوبت شماست. ________________

٥. آنها وصیت نامه شهید را خوانده بودید. ________________

٦. از نعمت های الهی درست استفاده کنید. ________________

۷. ما برای هر مکان اسمی می گذارند. ________________

۸. فکر می کنی بتوانم مرا یاری کنی؟ ________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

آرامگاه	خرّیج
بنده	دوماً
فارغ التحصیل	مقبرة
نیاز	حاجة
کمین	تُحبّ
دوست داری	فرع
ادامه بده	مرصاد
رشته	دوماً
همیشه	عبد

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

همیشه ________	اولین ________
آخرین ________	خراب کردن ________
نیازمند ________	گاهی ________
ساختن ________	بی نیاز ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. آرامگاه : ________________

۲. گمنام: ________________

۳. دوست دارم : ________________

٤. احتیاج دارد : ________________

۵. آخرین بار : ________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. به ـ برای ـ می رفتند ـ سربازان ـ دفاع ـ جبهه. ________________

۲. رسیدم ـ لحظه ـ در ـ قطار ـ آخرین ـ به. ________________

۳. موافق ـ سینما ـ آیا ـ امروز ـ برویم ـ هستی ـ به؟________________

٤. نعمت ـ الهی ـ استفاده ـ ما ـ می کنیم ـ های ـ از. ________________

۵. می رسـد ـ فرا ـ نوبت ـ چه ـ ما ـ وقت؟________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: بوی ______ خوبی به ______ می رسد.

حسن: بوی عطر ______ است.

محسن: بهتر است بگویی ______ عطر خوشی به مشام می رسد.

حسن: او چه ______ بود؟

محسن: او شهید ______ بود.

حسن: ما با یک شهید ______ من خیلی ______ من فکر می کنم که ______ دیدم.

محسن: بله ______ نیست یا ______ کردن آن مشکل نیست.

حسن : بله ______ نیست.

محسن: ما با روح ______ به روح آن شهید ______ برقرار کردیم نه با جسم ______ .

أسماء المكان

في الفارسية أسماء تدلّ على المكان بشكل لا يوجد فيها علامة خاصة:

مثـل: اتاق (غرفة)، خانه (بيت)، باغ (حديقة)، سـوق (بازار) لكـن هناک اسماء تدل على المكان باضافة «گاه» و هي بمعنى المكان إلى آخر المصدر . مثل:

آرامگاه (مقبرة)، آرايشگاه (صالون الحلاقة)، تعميرگاه (ورشة التصليح)، نمايشگاه (معرض)

أمثلة:

١ ـ براى خريد اتومبيل به نمايشگاه رفتيم. (ذهبنا إلى المعرض لإشتراء السيارة.)

٢ ـ آرامگاه شهيدان را زيارت كرديم. (قمنا بزيارة مقابر الشهداء.)

٣ ـ كودک در زايشگاه بدنيا آمد. (وُلد الطفل في مستشفى الولادة.)

٤ ـ برادرم در آرايشگاه كار مى كند. (أخي يعمل في صالون الحلاقة.)

٥ ـ ببخشيد تعميرگاه كجاست؟ (عفواً أين ورشة التصليح؟)



باغ ارم – شيراز


درس سی و دوم

۳۲ حواس پنجگانه



واژگان درس

حواس :	الأحاسيس / المشاعر / الحواس		
بینایی :	البصر	شنوایی :	السمع
چشایی :	الذوق	بویایی :	الشمّ
لامسه :	اللمس	خدمتگزار :	خادم
تابلو :	لافته	گواهینامه :	رخصة القيادة/ جواز السياقة
تصمیم :	قرار		

ساختارهای گفتاری درس

باید شکرگزار باشیم :	يجب أن نكون شاكرين
قوانین راهنمایی و رانندگی :	قوانين المرور
تصمیم خوبی گرفتی :	إتخذت قراراً مناسباً
یادت نرود :	لا تنس
با سرعت :	بسرعة
با آرامی :	بهدوء
خدمتگزار مردم :	خادم الناس

گفتگوی اول

حواس پنجگانه

حســـن: حس بینایی، حس شـــنوایی، حس بویایی، حس چشایی و حس لامسه اگر این حس ها را نداشتیم چه کار می کردیم؟

محسن: بله ما اگر این حواس را نداشتیم چطور زندگی می کردیم؟

حسن: ما اگر بدون دست و پا خلق می شدیم چگونه زندگی می کردیم؟

محسن: اگر خداوند انسانها را دوست نمی داشت آنها را کامل خلق نمی کرد.

محسن: از این اگرها زیاد است اگر هوا نبود اگر ...

حسن: ما باید خدا را شکر کنیم.

محسن: ما باید شکرگزار خداوند باشیم.

حسن: ما به خاطر همه چیز که او به ما داده است از او سپاسگزاریم.

محسن: پس باید خدمتگزار خوبی برای او و مردم باشیم.



آموزش رانندگی

محسن: امروز می خواهیم به خیابانها برویم.

مادر: برای چه می خواهید به آنجا بروید؟

محسن: برای تعلیم و آشنایی با تابلوهای راهنمایی و رانندگی.

پدر: حسن آقا! آیا قصد دارید گواهینامه رانندگی بگیرید؟

حسن: نه پدرجان، فقط برای آشنایی است.

مادر: آموزش قوانین راهنمایی و رانندگی برای همه الزامی است.

حسن: بهر حال، استاد من محسن است، ممکن است بخواهم گواهینامه بگیرم.

پدر: آفرین تصمیم خوبی گرفتی.

مادر: پسرم فقط یادت نرود که نباید با سرعت رانندگی کنی، یعنی به آرامی.

حسن: آرامش چه کلمه زیبایی است.

درک مطلب

۱. نام حواس پنجگانه چیست؟

۲. با حس بینایی چه می کنیم؟

۳. حس شنوایی چه فایده ای دارد؟

٤. چه کسی این حواس را به ما داده است؟

۵. چرا حسن و محسن می خواهد به خیابان بروند؟

٦. آیا حسن می خواهد گواهینامه بگیرد؟

۷. حسن چه تصمیمی گرفت؟

۸. مادر از حسن خواست چگونه رانندگی کند؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. به علائم راهنما توجه کن.	(إنتبه إلی إشارات المرور.)
۲. گواهینامه دارید؟	(هل عندکم رخصة السیاقة؟)
۳. احتیاط را رعایت کن.	(توخّ الحیطة و الحذر.)
٤. به آرامی بایست.	(توقف بهدوء.)
٥. شتاب این اتومبیل بالاست.	(سرعة هذه السیارة هائلة.)

نام ها و تصاویر

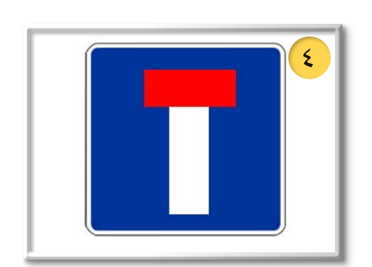
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

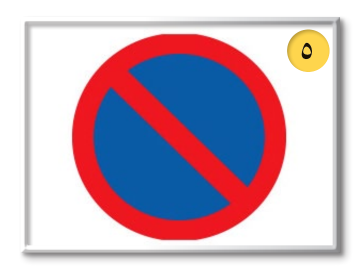
تابلوهای: ایست ـ پارک ممنوع ـ خیابان یکطرفه ـ محل عبور عابرین ـ توقف ممنوع ـ راه مسدود













تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. قصد دارید گواهینامه بگیرید؟	٦. لا تَسُق بسرعة.
۲. با سرعت رانندگی نکن.	۷. هذا العمل للتعرف و حسب.
۳. آرامش کلمه زیبایی است.	۸. هل تریدون الحصول علی رخصة السیاقة؟
٤. این کار فقط برای آشنایی است.	۹. اعرف اشارات المرور.
۵. تابلوهای راهنمایی و رانندگی را می شناسم.	۱۰. الهدوء کلمة جمیلة.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. ما پنج حواس داشتیم. ______

۲. باید شکرگزار خداوند هست. ______

۳. او با رفتارهای دوستش آشنا است. ______

٤. من به کمک دیگر دوستانم این فیلم را ساختند. ______

۵. همه اینها را از قبل برنامه ریزی شده بودید. ______

٦. خوب استراحت کن فردا ما به گردش می روند. ______

۷. شما چطور فهمیدند؟ ______

۸. مزه عسل شور است. ______

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

شور	نعومة
تلخ	سیاقة
پوست	مالح
نرمی	مُرّ
رانندگی	جلد
شیرین	خشونة
زبری	احسن
خوبتر	حلو

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

شور	________	زبر	________
خوبتر	________	تند	________
نرم	________	شیرین	________
کُند	________	بدتر	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. بینایی : ________

۲. شکرگزاری می کنم: ________

۳. رانندگی کرد : ________

۴. یاد گرفتن : ________

۵. روز : ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. نداشتیم ـ حواس ـ ما ـ اگر ـ را ـ حواس ـ می کردیم ـ چگونه ـ زندگی. ______________________

____

۲. سفر ـ قبل ـ از ـ این ـ برنامه ـ بود ـ شده ـ ریزی. ______________________

۳. باشیم ـ شکرگزار ـ خداوند ـ ما ـ باید ______________________

٤. دارای ـ حواس ـ انسانها ـ پنجگانه ـ هستند. ______________________

۵. کامل ـ است ـ ما ـ خدا ـ را ـ آفریده ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: این ______ را تو ساختی؟

محسن: من به ______ دیگر ______ این فیلم را ساختم.

حسن: کی این فیلم را ______ ؟

محسن: ______ از اینکه تو ______ .

حسن : همه اینها از قبل ______ شده بود.

محسن: ______ در کارهای آموزشی خیلی ______ است آموزش بدون ______ ممکن نیست.

حسن: بله من معنی امکان ______ را می دانم.

محسن: خوب ______ کن ______ به ______ می رویم.

«صفات فاعلية»

في الفارسية صفات تتكوّن من جزئين الجزء الثاني يدل على الفاعل أو من يقوم به الفعل.

مثل: شكرگزار (الشاكر)، خدمتگزار (الخادم)، كارگزار (الفاعل)، نگهبان (الحارس) پاسبان (الشرطي) خلبان (قائد الطائرة)

أمثلة:

١ ـ نگهبان پليس را خبر كرد. (أخبر الحارس الشرطي.)

٢ ـ ما خدمتگزار ملت هستيم. (نحن خدّام الشعب.)

٣ ـ ما خدا را سپاسگزاريم. (نحن شاكرين لله.)

۴ ـ پاسبان مواظب امور است. (الشرطي يراقب الامور.)



آرامگاه فردوسی – توس



درس سی و سوم





واژگان درس

راننده :	السائق	فراگیری :	تعلّم
پیر :	عجوز	اجاق گاز :	الموقد الغازي
آموزش :	تعليم		
خوشمزه :	لذيذ		
آشپز :	الطباخ / الطاهي		
خارجی :	أجنبي		
جوان :	شاب		

ساختارهای گفتاری درس

چیزهای لازم :	الاشياء الضرورية
اجزاء ماشین :	قطع السيارة
آیا این درسته؟ :	هل هذا صحيح؟
دستت درد نکنه :	سلمت / عاشت يداک
به آسانی :	بسهولة
نوش جانت :	هنيئاً لكم
چند ماه :	عدة شهور

گفتگوی اول

رانندگی

محسن: رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی خیلی مهم و ضروری است.

حسن: بله مادر گفت رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی خیلی مهم و ضروری است.

محسن: چرا به عربی صحبت کردی؟

حسن : چون این جمله خیلی مهم است.

محسن: رعایت قوانین برای همه راننده ها لازم است، چه ایرانی و چه خارجی فرقی ندارد.

حسن: مثل ورزش کردن که برای همه لازم است چه پیرها و چه جوان.

محسن: باید چیزهای لازم را برای زندگی یاد بگیریم.

حسن: کارهای زیادی را به آسانی می توان با آموزش فراگرفت.

محسن: آیا اجزاء ماشین را می شناسی؟

حسن: بله ولی نام آنها را به فارسی نمی دانم.

گفتگوی دوم

سر شام

حسن: مادر دست شما درد نکنه، خیلی غذا خوشمزه است من در این چند ماه که در ایران هستم اضافه وزن پیدا کردم.

محسن: اضافه وزن یعنی «السمنة» أو «ازدیاد الوزن.» یعنی وزن من زیاد شده است.

مادر : نوش جانت

پدر: مادر که کار مهمی انجام نمی دهد کار مهم و اصلی را اجاق گاز انجام می دهد. مادر فقط مواد خام را داخل قابلمه می ریزد و بقیه کار را به اجاق گاز می سپارد.

محسن: به نظر من هم اجاق گاز خیلی مهم است.

پدر: درسته حسن آقا، آیا من درست می گویم؟

حسن: نه نه این درست نیست، به نظر من اجاق گاز مواد خام و چیزها ی دیگر مهم نیستند مهم آشپز ماهر است.

محسن: بله من هم با حسن موافقم.

پدر: من هم با حسن موافق هستم.

درک مطلب

۱. چه قوانینی مهم است؟

۲. آیا قوانین راهنمایی برای ایرانی ها لازم است؟

۳. چه چیزهایی را می توان با آموزش فراگرفت؟

٤. آیا حسن اجزاء ماشین را می شناسد؟

۵. حسن غذای مادر را چگونه می داند؟

٦. به نظر پدر کار مهم را چه کسی انجام می دهد؟

۷. به نظر حسن در تهیه غذا چه چیزی مهم است؟

۸. محسن با چه کسی موافق است؟

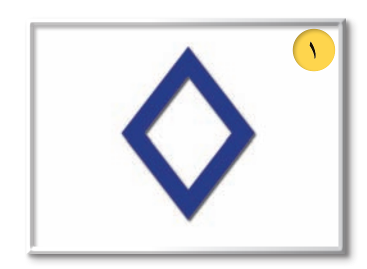
جمله های پر کاربرد روزمره

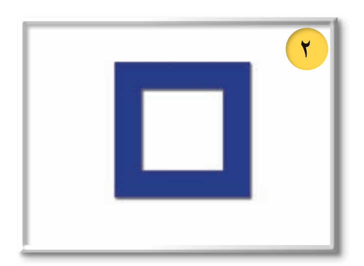
۱. این کار سختی نیست.	(ليس هذا عملاً صعباً.)
۲. به آسانی رانندگی یاد گرفت.	(تعلّم السياقة بسهولة.)
۳. سرعت خود را کم کن.	(هدئ من سرعتک.)
٤. این کار مهمی است.	(هذا عمل هامّ)
٥. این غذای بسیار خوشمزه ای است.	(هذا الطعام لذيذ جدّاً.)

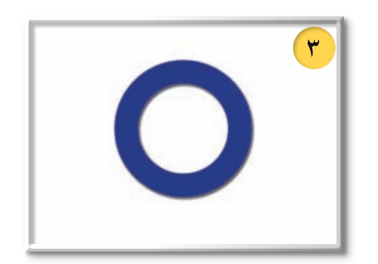
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

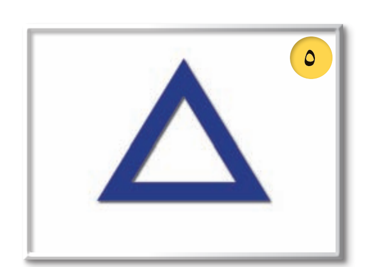
گرد (دایره) ـ سه گوش (مثلث) ـ چهارگوش (مربع) ـ لوزی ـ کج ـ راست

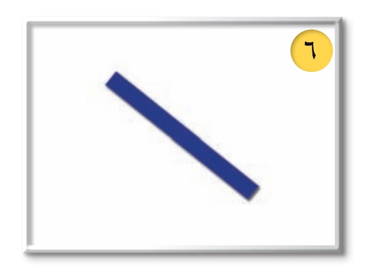












تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

فارسی	عربی
۱. راننده ماشین را روشن کرد.	٦. تسکب الأمّ المواد داخل الطنجرة.
۲. مادر مواد را داخل قابلمه می ریزد.	۷. سلمت یداک.
۳. من وزنم زیاد شده است.	۸. شغّل السائق السیارة.
٤. توقف ممنوع است.	۹. ممنوعٌ الوقوف.
۵. دست شما درد نکند.	۱۰. قد ازداد وزني.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. شما کار مهمی را انجام می دهیم. ____________________

۲. ماه قبل وزنم زیاد می شود. ____________________

۳. این غذا خیلی خوشمزه هست. ____________________

٤. گردش به چپ ممنوع است. ____________________

۵. این تابلوی خطر هستند. ____________________

٦. ورزش برای همه لازم هستند. ____________________

۷. شکل این میدان دایره است. ____________________

۸. ماشین حرکت کرد. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

چراغ	محذّر
لوزی	رادع
بازدارنده	معین
قابلمه	طنجره
عابران	منزلق
لغزنده	مصباح
هشداردهنده	مشاة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

پیر ________	کاهش ________
افزایش ________	راست ________
کج ________	مجاز ________
ممنوع ________	جوان ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. ورزش : ________________________

۲. خطر: ________________________

۳. موافقت می کند ________________________

٤. انجام می دهد : ________________________

۵. پیدا کردم : ________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. خیابان ـ چپ ـ در ـ گردش ـ این ـ است ـ ممنوع. ____________

۲. می پزد ـ مادر ـ خوشمزه ای ـ غذای. ____________

۳. رعایت ـ باید ـ کنند ـ را ـ قوانین ـ همه! ____________

٤. است ـ این ـ مهمی ـ بسیار ـ کار. ____________

۵. اتاق ـ اســت ـ شکل ـ من ـ گوش ـ چهار. ____________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: تابلوهایی که ______ هستند تابلوهای خطر ______ مثل محلّ عبور عابر، محل عبور ______ ، تابلو جاده ______ و تابلو خطر در ______ به راست.

حسن: مثلث به ______ یعنی ______ ؟

محسن: یعنی ______ گوش، مربع، ______ گوش.

محسن: تابلوهایی که دایره ______ هستند، تابلوهای ______ و حکم کننده ______ .

حسن: مثل ______ ؟

محسن: مثل ______ سبقت ممنوع.

«اسم الفاعل»

اسم الفاعل في الفارسية يصاغ من الفعل المضارع باضافة «نده» في آخره بعد حذف «مى» من أوله:

مثل: مى خواند : خواننده (قارئ)　　　　مى نويسد : نويسنده (كاتب)

مى فرستد : فرستنده (المُرسل)　　　　مى نگارد : نگارنده (الرسام)

أمثلة:

۱ ـ نويسنده اين كتاب كيست؟ (من هو المؤلف لهذا الكتاب؟)

۲ ـ اين فيلم بيننده را جلب مى كند. (يلفت هذا الفلم المشاهد.)

۳ ـ اين خبر شنونده را خوشحال مى كند. (يسّر هذا الخبر المستمع.)

۴ ـ دونده به خط پايان رسيد. (وصل الراكض إلى خط النهاية.)



بهشت زهرا - پنجشنبه آخر سال


درس سی و چهارم



٣٤ صدای آشنا



واژگان درس

آشنا :	معروف	گیرنده :	المرسل اليه
اگر :	لو	امضاء :	توقيع
بپرس :	سَل	تحویل دادن :	تسليم
آشپزخانه :	المطبخ	تحویل گرفتن :	تسلّم / استلام
درست می کنم :	أُعدّ / أصنع	بسته :	رزمة
لیوان :	كأس	می گیرد :	يأخذ
پستچی :	ساعي البريد / بوسطجي	مترو :	قطار النفق
فرستنده :	المُرسل		



ساختارهای گفتاری درس

باور نمی کنی؟ :	لا تُصدِّقُ؟
چه کار می کنی؟ :	ماذا تفعل؟
اداره پست :	مركز البريد
پست سفارشی :	البريد المضمون
دفترچه کنکور :	كرّاسة تسجيل الاسماء للمشاركة في امتحان دخول الجامعة
نمی توانم :	لا استطيع، / لا أقدر على
رسید پستی :	الايصال البريدي
می خواهم بفرستم :	أريد أن أرسل

صدای آشنا

صدای محسن: حسن مرا نشناختی من محسن هستم.

حسن: اما محسن که اینجاست شما که هستید؟ شما محسن نیستید.

محسن: اگر باور نمی کنی از محسن بپرس.

حسن: این امکان ندارد.

محسن: حالا به من بگو الآن داری چکار می کنی؟

حسن: ما شام می خوریم.

محسن: نه بگو ما داریم شام می خوریم.

محسن: شما دارید در کجا شام می خورید؟

حسن: ما داریم در آشپزخانه شام می خوریم.

محسن: از مادر بپرس که دارد چه کار می کند؟

حسن: مادر شما چه کار می کنید؟

مادر: من الآن دارم چای درست می کنم.

حسین: من الآن دارم یک لیوان آب می نوشم.

گفتگوی دوم

در اداره پست

حسن: به اداره پست می رویم، برای چه؟

محسن: بله اول به اداره پست یا پستخانه می رویم و بعد با مترو به موزه خواهیم رفت.

حسن: برای چه به اداره پست می رویم؟

محسن: باید برای حسین دفترچه کنکور بخرم و یک نامه سفارشی پست کنم و یک بسته را تحویل بگیرم.

حسن: نامه سفارشی یعنی چه؟

محسن: یعنی نامه ای که مأمور پست یا پستچی به گیرنده نامه تحویل دهد و از او امضاء بگیرد.

حسن: امضاء یعنی «توقیع»؟

محسن: بله درسته گیرنده نامه یعنی کسی که نامه برای او فرستاده شده است یعنی کسی که باید نامه را بگیرد.

حسن: کسی که نامه را می گیرد ، گیرنده است.

حسن: خب بعد باید یک بسته را تحویل بگیری.

محسن: اما همه این کارها را تو باید انجام دهی.

حسن: اما من نمی توانم.

محسن: تو می توانی، تو باید بتوانی.

درک مطلب

۱. حسن صدای چه کسی را شنید؟

۲. چرا باور نمی کرد که این صدای محسن باشد؟

۳. حسن در حال انجام چه کاری بود؟

٤. مادر چه کاری انجام می داد؟

۵. حسین چه می نوشید؟

٦. برای چه محسن و حسن به اداره پست رفتند؟

۷. چه نامه ای را می خواستند بفرستند؟

۸. چه چیزی را محسن می خواهد تحویل بگیرد؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. لطفاً اینجا را امضاء کن.	(رجاءً وقّع هنا)
۲. این نامه را ارسال کنید.	(أرسل هذه الرسالة.)
۳. فرستنده و گیرنده این بسته کیست؟	(مَن المرسل و المرسل الیه لهذه الرزمة؟)
٤. با پست سفارشی ارسال کنید.	(أرسله بالبرید المضمون.)
۵. با پست پیشتاز فرستادم.	(أرسلته بالبرید المستعجل.)

نام ها و تصاویر

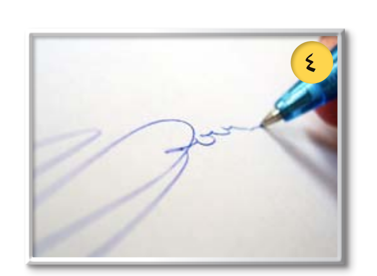
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

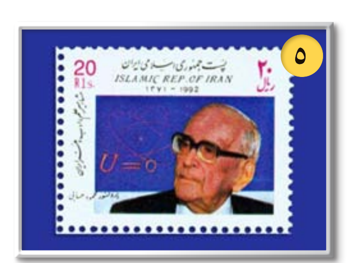
تمبر ـ پاکت نامه ـ امضاء ـ مُهر ـ بسته پستی ـ صندوق پستی

۱


۲


۳


٤


۵


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. آدرس فرستنده را نوشتید؟	٦. أنت قادر علی النجاح.
۲. نامه رسان بسته ها تحویل می دهد.	۷. سلّمه إلی مرکز البرید.
۳. تو می توانی موفق شوی.	۸. ساعي البرید یُسلّم الطرود.
٤. با مترو به دانشگاه رفتیم.	۹. هل کتبت عنوان المُرسل؟
٥. این را به پست تحویل بده.	۱۰. ذهبنا إلی الجامعة بقطار النفق.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. من داریم درس می خوانم. ____________________

۲. داشت می رفتی که دوستش را دید. ____________________

۳. الآن داری چه کار می کنید؟ ____________________

٤. نامه را دیروز پست می کنم. ____________________

٥. یک دفترچه کنکور برای برادرت بخر. ____________________

٦. آنها نامه ای ماه پیش برای ما فرستادید. ____________________

۷. باید زودتر به خانه برگردیم. ____________________

۸. ما داریم صحبت می کنم. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

لیوان	مطبخ
شام	البريد
خواب دیدن	كأس
پست	احلام
گلدان	صدّق
آشپزخانه	توقيع
باور کن	مزهرية
امضاء	عشاء

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

فرستنده	________	تحویل	________
داده	________	فروختن	________
ارسال	________	گیرنده	________
خریدن	________	گرفتن	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. پست : ________________

۲. می فرستم: ________________

۳. دریافت کردم : ________________

۴. گیرنده : ________________

۵. امضاء کن : ________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. دارم ـ از ـ مادر ـ می برم ـ من ـ خوشمزه ـ شام ـ لذت. ____________________

۲. رفتیم ـ یک ـ ارسال ـ پست ـ بسته ـ برای ـ به. ____________________

۳. داشتم ـ می دیدم ـ بیدار ـ من ـ که ـ خواب ـ مرا ـ کرد ـ او. ____________________

٤. خانواده ـ سر ـ شام ـ همه ـ نشسته ـ اعضاء ـ میز. ____________________

۵. می رسـیم ـ دانشگاه ـ زودتر ـ مترو ـ با ـ به. ____________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: سلام، ______ .

متصدی : سلام خیلی ______ ، بفرمائید در ______ هستم.

حسن: خیلی ممنون می خواهم این ______ را پست ______ کنم.

متصدی: بله حتماً. آدرس ______ و نام ______ و کد پستی ده رقمی را ______ ؟

حسن: بله. ______ .

متصدی: بفرمائید این هم ______ نامه شما . دیگر چه امری ______ ؟

حسن : می خواهم یک ______ کنکور ______ .

متصدی: بله شما به باجه سه ______ .

حسن: خیلی ممنون ______ .

«الماضي و المضارع الملموس»

هناک نوع من الافعال في الماضی و المضارع تدل علی أن الفعل علی وشک الوقوع أو کان الفاعل ملابساً به عندما حدث فعل آخر.

مثلاً: کنت مشغولاً بأکل الطعام عندما دخل الضیف. (داشتم غذا می خوردم که میهمان وارد شد.)

تکاد الطائرة تهبط. (هواپیما دارد می نشیند.)

و في الفارسیة نستخدم مشتقات داشتن (به معنی الملکیة) في الماضی و المضارع لهذا النوع من الفعل.

أمثلة:

۱ ــ داشت می رفت که به دوستش برخورد. (کان یذهب فالتقی بصدیقه.)

۲ ــ داشتم می خوابیدم که تلفن زنگ زد. (کنت علی وشک النوم عندما رنّ الهاتف.)

۳ ــ الآن دارم غذا می خورم. (أنا الآن مشغول بأکل الطعام.)

۴ ــ آسمان دارد باران می بارد. (تکاد تمطر السماء.)

مراسم قالیشویان – مشهد اردهال


درس سی و پنجم





واژگان درس

زودتر :	اسرع	ابزارها :	ادوات
باجه :	شباک / کشکة	شناسنامه :	بطاقة الهوية
مدرن :	حديث		
معماري :	فن العمارة		
ساختمان :	مبنى		
بليط :	تذكرة		
سنتى :	تقليدي		

ساختارهای گفتاری درس

بسته پستی :	رزمة بريدية / طرد بريدي
افتتاح شد :	أفتتح
نگهداری می شود :	يحافظ عليه
می خواهم تهيه كنم :	أريد أن أشتري
کارت اعتباری :	بطاقة ائتمان
ایران باستان :	ايران القديمة
دست ساخته بشر :	مصنوع بيد الانسان
شهرهای مختلف :	مدن مختلفة



بسته پستی

حسن: سلام ببخشید ما باید یک بسته پستی را تحویل بگیریم.

متصدی: سلام، برای شما ابلاغیه آمده است؟

حسن: ابلاغیه؟

متصدی: بله برای آقای حسن عبدالله ... ساکن شمیران ... بفرمائید این هم بسته شما اینجا را امضاء کنید.

حسن: من امضاء کنم؟

متصدی: بله آقای حسن عبدالله ... راستی شما شناسنامه یا گواهینامه یا پاسپورت همراه دارید؟

حسن: بله همراه دارم.

متصدی: شما برای آموزش فارسی از کشور کویت آمده اید.

حسن: اینها را که گفتید در پاسپورت نوشته اند؟

متصدی : نه اینها را آقا محسن برای من گفته اند، من دوست آقا محسن هستم.

گفتگوی دوم

در مترو

محسن: با مترو زودتر می توانیم به موزه برویم.

حسن: بله زودتر می توانیم، زودتر صفت تفضیلی است.

محسن: باید بلیط بخری یا بلیط تهیه کنی.

حسن: سلام ببخشید، دو تا بلیط می خواهم.

بلیط فروش: بلیط یا کارت اعتباری می خواهید؟

حسن: خیر بلیط می خواهم.

محسن: اینجا موزه ایران باستان است، باستان یعنی القدیم.

حسن: ما معنی العمارة بالفارسیة؟

محسن: معماری، معماری سنتی، اسلامی، مدرن.

حسن: چه ساختمان زیبایی، اینجا ساختمان موزه ایران باستان است.

محسن: این ساختمان در سال ۱۳۱۶ افتتاح شده است.

محسن: در این موزه ابزارهای دست ساخت بشر در ایران مربوط به نیم تا یک میلیون سال پیش نگهداری می شود.

حسن: دست ساخته یعنی چه؟

محسن: یعنی چیزهایی که بشر با دست خود ساخته است. این اشیاء در شهرهای مختلف ایران کشف شده اند.

درک مطلب

۱. آنها با چه وسیله ای زودتر به موزه می رسند؟

۲. حسن چه چیزی را می خواهد از پست تحویل بگیرد؟

۳. چه کسی باید فرم را امضاء کند؟

٤. حسن چه چیزی را همراه خود دارد؟

٥. برای دیدن موزه چه چیزی باید تهیه کنند؟

٦. نام موزه چه بود؟

۷. این ساختمان چه سالی افتتاح شده است؟

۸. اشیاء موزه در کجا کشف شده اند؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. چه سندی همراه دارید؟	(ماذا عندكم من الوثائق؟)
۲. چه وقت این مرکز افتتاح می شود؟	(متى يتمّ افتتاح هذا المركز؟)
۳. این ساختمان چه سالی ساخته شده است؟	(في أي سنة بني هذا المبنى؟)
٤. ابزارهای کار را همراه خود بیاورید.	(خذوا معكم ادوات العمل.)
۵. این فرش دستباف است.	(هذا السجاد يدوي.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

فرش ـ پتو ـ پرده ـ رومیزی ـ مجسمه ـ آیینه

۱


۲


۳


٤


۵


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. چه ساختمان زیبائی است!	٦. قد أرسل إلیّ الطرد البريدي.
۲. کارت اعتباری دارید؟	۷. هل عندکم بطاقة ائتمان؟
۳. بسته پستی برای من فرستاده شده است.	۸. يجب أن تشتري من هذا الشباک.
٤. در اینجا آثار قدیمی فراوان است.	۹. يا له من بناء جميل!
٥. باید از این باجه بخرید.	۱۰. هناک الكثير من المعالم الأثرية.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. استاد گفت من شاگرد خوبی هست. ______________________

۲. شما شناسنامه همراه دارند؟ ______________________

۳. لطفاً اینجا را امضاء کنید. ______________________

٤. آنها خیلی باهوش هستند. ______________________

٥. نمی دانم آن بسته را چه کسی برای من فرستادی. ______________________

٦. این ساختمان به تازگی افتتاح شده هست. ______________________

۷. با مترو دیرتر به دانشگاه رسیدیم. ______________________

۸. معماری این موزه خیلی زیباست. ______________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

باستانی	أداة
ابزار	محافظة
هزاره	أسرع
سنتی	ألفية
زودتر	طرد / رزمة
بسته	قديم
استان	تذكرة
بلیط	تقليدي

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

نو ________ تندتر ________

دانا ________ کند ذهن ________

کندتر ________ نادان ________

باهوش ________ کهنه ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. زودتر : ________

۲. می رویم: ________

۳. نمی داند : ________

٤. آشنا شدم : ________

۵. بسته پستی : ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. چگونه ـ می شناسید ـ شما ـ مرا ـ چطور ـ و؟ ________________

۲. فرستاده ـ از ـ است ـ مادرم ـ بسته ـ این ـ را ـ سوریه. ________________

۳. ابزار ـ ساخته ـ موزه ـ های ـ در ـ دارد ـ وجود ـ این ـ بشر ـ دوست. ________________

٤. برگه ـ امضاء ـ لطفاً ـ پایین ـ کنید ـ را ـ این. ________________

۵. باهوشی ـ هستید ـ دانشـــجوی ـ شما. ________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: چرا آن ______ را آوردی؟

حسن: چرا این ______ را ______ ؟ این بسته برای ماست.

محسن: هنوز متوجه ______ که بسته ______ است.

حسن: این بسته ______ ؟ پس چرا آن را برای من ______ ؟

محسن: آن برای تو ______ شد تا ______ شوی به اداره پست و تحویل گرفتن بسته پستی را ______ .

حسن: اما آنرا چه ______ برای من ______ است؟

متصدی: سلام، دوستان من، ______ بنشینید خیلی ______ .

الفعل المجهول

يوجد في الفارسية الفعل المجهول بنفس المعنى الذي يوجد في العربية و صياغته في الماضى أن نضيف «ه» في آخر الفعل الماضي المعلوم ثم نأتي بفعل ماضٍ مشتقٍ مِن «شدن» و هو بمعنى الصيرورة. و في المضارع بمشتق مضارع من نفس المصدر.

مثل: بريده شد (قُطع) ـ كشته شدند (قُتلوا) ـ نوشته شد (كُتبَ)

أمثلة:

١ ـ لباسها شسته شد. (غُسِلَت الملابس.)

٢ ـ غذا براى ميهمانان پخته شد. (طُبخ الطعام للضيوف.)

٣ ـ نامه اى براى آقاى مدير نوشته شد. (كتبت رسالة إلى السيد المدير.)

۴ ـ الآن آب از ظرف ريخته مى شود. (يُصَبُّ الماء الآن من الاناء.)

۵ ـ اين فيلم در تلويزيون ديده مى شود. (يُشاهد هذا الفلم في التلفزيون.)

ساخت ضريح حرم امام حسين (ع) توسط هنرمندان ايرانى



درس سی و ششم



۳۶ سفالگری



واژگان درس

واژه	معنی	واژه	معنی
ظرف :	إناء	صنعتگر :	صانع
سفالی :	خزفي	هنرمند :	فنّان
نخستین :	اول	ملاقات کردن :	اللقاء بـ
صنعتگران :	صُناع	نقش ها :	نقوش / رسوم
تندیس :	تمثال	دوره :	عصر
سنگ :	حجر	گیاهان :	نباتات
مهر :	خاتم	ایوان :	فناء / باحة / شُرفة

ساختارهای گفتاری درس

واژه	معنی
سفالگری :	فن الخزف
پیش از میلاد :	قبل الميلاد
رواج داشته :	كان دارجاً
مربوط به :	يتعلّق بـ
کشف شده است :	أُكتشِفَ



سفالگری

محسن: این هدف ظرف سفالی در منطقه اسماعیل آباد قزوین کشف شده است و مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است.

حسن: ظرف سفالی

محسن: یعنی «فن الخزف.»

حسن: بله سفالگری.

محسن: ایرانیها جزء نخستین صنعت گران سفال بودند . سفالگران روی سفالها نقشهای مختلفی بوجود می آورند. نقش های حیوانات و گیاهان و انسان.

حسن: نقوش الحیوانات و النباتات و الانسان.

حسن : اینجا نوشته است تندیس یعنی مجسمه سنگی داریوش بزرگ/شوش/ دوره هخامنشی ۴۹۵ سال پیش از میلاد سنگی یعنی چه؟

محسن: سنگ یعنی «حجر» ـ سنگی یعنی «حجری».

گفتگوی دوم

هنرها

حسن: این یک مهر سیلندری است؟

محسن: مهر یعنی خاتم و سیلندر یعنی اسطوانة. مهری که مانند سیلندر است.

حسن: مهر سیلندری با نقش دو حیوان از سنگ لاجورد. حسنلو هزاره دوم پیش از میلاد یعنی چه؟

محسن: یعنی از سنگ لاجورد ساخته شده است و در منطقه حسنلو کشف شده است و مربوط به دوره هزاره دوم پیش از میلاد است.

حسن: موزاییک کف ایوان؟

محسن: ایوان یعنی سالن یعنی جایی که از میهمانان پذیرایی می کردند یا با میهمان ملاقات می کردند.

محسن: هنر و صفت موزاییک سازی در ایران باستان رواج داشته است.

حسن: هنر یعنی چه؟

محسن: هنر یعنی «الفن» هنرمند کسی که هنری دارد. هنر باید انسان را به خداوند مهربان نزدیک کند. توی دانا هنر واقعی چیست؟

حسن: خوب زندگی کردن است.

درک مطلب

۱. در موزه چه ظرفی دیدند؟

۲. این ظرف در کجا کشف شده بود؟

۳. روی ظرفها چه نقشی را بوجود آورده بودند؟

۴. نخستین سفالگران چه کسانی بودند؟

۵. تندیس داریوش از چه بود؟

۶. مُهر سیلندری در کجا پیدا شده بود؟

۷. در ایران باستان چه هنری رواج داشته است؟

۸. هنرمند کیست؟

جمله های پر کاربرد روزمره

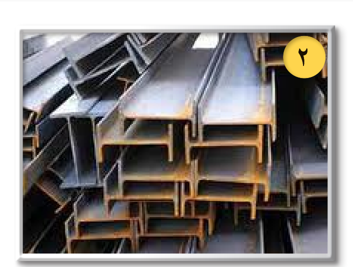
۱. این دستگاه از چه ساخته شده است؟	(ممّ صُنع هذا الجهاز؟)
۲. در کجا کشف شده است؟	(إين أكتشف؟)
۳. چه هنری بلدی؟	(أي فنّ تجيد؟)
٤. کدام هنر را می شناسی؟	(أيّ فنّان تعرفه؟)
٥. این مواد فلزی است.	(هذه المواد معدنية.)

نام ها و تصاویر

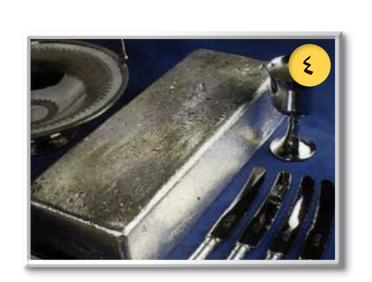
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

سنگ ـ چوب ـ آهن ـ شیشه ـ طلا ـ نقره

۱


۲


۳


٤


٥


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. واحد اندازه گیری یعنی چه؟	٦. كان الايرانيون لديهم فنون منوّعة.
۲. ایرانیان هنرهای زیادی داشته اند.	٧. هنا متحف المعالم الاثرية الايرانية.
۳. اینجا موزه آثار باستانی ایران است.	٨. أين أكتشف هذا المثال؟
٤. در کجا این مجسمه کشف شده است؟	٩. ما معنى وحدة القياس؟
٥. مهر روی میز را به من بده.	١٠. أعطني الخاتم الذي على المنضدة.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. این ظرف سفالی قدیمی است. ____________________

۲. صنعتگران اشیاء زیبایی می سازید. ____________________

۳. این خانه از چوب ساخته شدم. ____________________

٤. دوستم این ورقه را مهر کردی. ____________________

٥. مجسمه فردوسی بسیار زیباست. ____________________

٦. کف سالن موزه از سنگ هست. ____________________

۷. من دو تا بلیط برای دیدن موزه خریدند. ____________________

۸. ایرانیان همیشه هنر را دوست داریم. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

واحد	اکتشف
سفال	یعادل
هزاره	حجري
کشف شده	عُشر
یک دهم	خزف
سنگی	وحدة
مساوی	من قبل
پیش	ألفیة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

همیشه	________	نرم	________
سفت	________	گم شد	________
پیدا شد	________	چند تا	________
یکی	________	گاهی	________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. سفال : ________________________________

۲. می سازند: ________________________________

۳. صنعتگر : ________________________________

۴. هنر : ________________________________

۵. کشف شده : ________________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. برابر ـ است ـ متر ـ صد ـ سانتی ـ متر ـ یک ـ با. ______________________________

۲. سفالگری ـ ایرانیان ـ از ـ قدیمی ـ است ـ صنعت ـ های. ______________________________

۳. در ـ شوش ـ ظرفها ـ است ـ کشف ـ این ـ منطقه ـ شده. ______________________________

٤. پادشاه ـ از ـ لاجورد ـ ساخته ـ مجسمه ـ است ـ شده. ______________________________

۵. کشـــور ـ رواج ـ ما ـ همیشـــه ـ است ـ هنر ـ در ـ داشته. ______________________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محســن: هنرمند کســی است که ______ دارد. هنر باید ______ را به ______ مهربان ______ کند. تو ______ هنر واقعی ______ ؟

حسن: خوب ______ کردن است. هنر ______ خوب ______ کرده است.

محسن: آفرین! چه ______ زیبایی ______ .

حسن: ______ این ______ مفرغی با ______ ؟

محسن: ______ یا طرح یعنی.

حسن: آذر بایجان یکی از ______ ایران است.

محسن: نه آذربایجان یکی از ______ ایران است، کشور ، استان ______ ، ده یا ______ .

حسن: ده یا ______ یعنی چه؟

محسن: یعنی «القریة أو الریف».

«اسم المفعول»

كما ذكرنا سـابقاً اسـم المعفول بالمعنى الذي نسـتخدمه في العربية يوجد في الفارسـية و يشبه اسم الفاعل بزيادة «ه» في آخره لكن اسـم المفعول يضاف «ه» في آخر الفعل الماضي البسـيط للمفرد. مثل : بريده (المقطوع) ـ نوشـته (المكتوب) ـ كشـيده (الممدود) و احياناً يأتي بعده فعل «شده» و يدل على معنى الفعل المجهول.

أمثلة:

١ ـ اين شيشه شكسته است. (هذا الزجاج مكسور.)

٢ ـ نمى توانم كار كنم دستم بريده است. (لا أستطيع العمل فيدي جريحة.)

٣ ـ اين نامه نوشته شده است. (هذه الرسالة مكتوبةٌ من قبل.)

۴ ـ فرش در سالن گسترده است. (السجاد مبسوط في الصالة.)



حافظيه – شيراز


درس سی و هفتم





واژگان درس

سرسبز :	منطقة مخضوضرة / خضراء	بلوچی :	اللهجة البلوتشية
آذری :	الترکیة	خشک :	الجافّ
سردسیر :	المنطقة الباردة	مرقد :	مقام
کویر :	صحراء		
مرکز / میانه :	وسط		
بارانی :	مطیر		
برفی :	ثلجي		

ساختارهای گفتاری درس

تشکیل شده است :	تکوّن مِن
بسیار گرم :	حارّ جدّاً
نمی روید :	لا ینبت
خلیج فارس :	الخلیج الفارسي
امام هشتم :	الامام الثامن
عامیانه :	العامیة

گفتگوی اول

ایران۱

محسن: ایران از اقوام مختلفی تشکیل شده است.

حسن: ایرانیان از اقوام مختلفی تشکیل شده است.

محسن: در شمال ایران مردم به لهجه گیلکی صحبت می کنند، شمال ایران منطقه سرسبز و بارانی .

حسن: لهجه گیلکی یعنی چه؟

محسن: یعنی زبان عامیانه مردم استان گیلان.

حنس: در شمال غربی ایران به چه زبانی صحبت می کنند؟

محسن: در شمال غربی ایران مردم به زبان آذری صحبت می کنند، آنجا آب و هوا سرد و برفی است.

حسن: آذری همان زبان ترکی است؟

محسن: آفرین درسته. در غرب کشور مردم به زبانهای کردی و لری صحبت می کنند آنجا هم منطقه سردسیری است.



گفتگوی دوم

ایران ۲

حسن: سردسیر یعنی چه؟

محسن: یعنی «المناطق الباردة و الجبلية».

حسن: در منطقه غرب کشور شما به زبانهای کردی و لری صحبت می کنند و در جنوب چطور؟

محسن: در منطقه جنوب ایران اغلب مردم به زبان عربی صحبت می کنند، آنجا منطقه بسیار گرمی است.

حسن: و در جنوب کشور خلیج فارس قرار دارد، خلیج همیشه فارس.

محسن: در شرق و جنوب شرقی کشور ما مردم به زبان بلوچی صحبت می کنند. آب و هوای این منطقه هم گرم است. و در شمال شرق کشور یعنی استان خراسان آب و هوا معتدل است. مرقد مطهر امام هشتم شیعیان حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در شهر مقدس مشهد در استان خراسان است.

حسن: بله من یک بار به زیارت ایشان رفتم.

محسن: و در مرکز ایران چند کویر وجود دارد . کویر به مناطقی گفته می شود که آب و هوای گرم و خشک دارد. و هیچ گیاهی در آنجا نمی روید.

حسن: مرکز یعنی چه؟

محسن: یعنی وسط.

محسن: ایران از لحاظ آب و هوا خیلی متنوع است.

درک مطلب

۱. در شمال ایران مردم به چه لهجه ای صحبت می کنند؟

۲. شمال ایران چگونه منطقه ای است؟

۳. در شمال غربی ایران مردم به چه زبانی صحبت می کنند؟

٤. آب و هوا در آنجا چگونه است؟

٥. در کجا مردم ایران به زبان لری و کردی صحبت می کنند؟

٦. زبان اغلب مردم جنوب کشور ایران چیست؟

۷. مرقد امام هشتم در کدام استان است؟

۸. آیا حسن به زیارت امام رضا (ع) رفته است؟

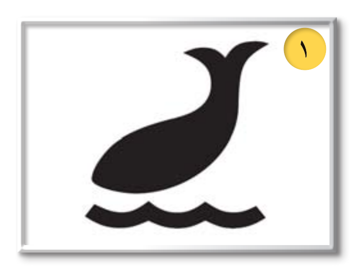
جمله های پر کاربرد روزمره

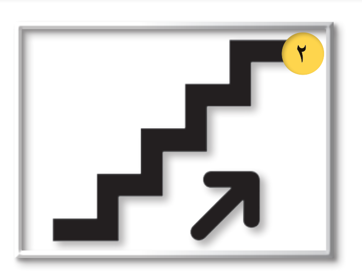
۱. به سمت چپ برو.	(اتجه إلى اليسار.)
۲. خیابان سمت راست است.	(الشارع على جهة اليسار.)
۳. در کدام استان زندگی می کنید؟	(في أي محافظة تسكنون؟)
٤. آب و هوا در شمال کشور سرد است.	(الطقس بارد في شمال البلد.)
۵. مناطق جنوب بسیار گرم است.	(المناطق الجنوبية حارّة جدّاً.)

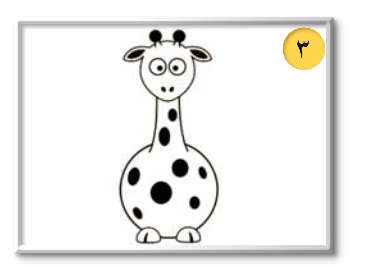
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

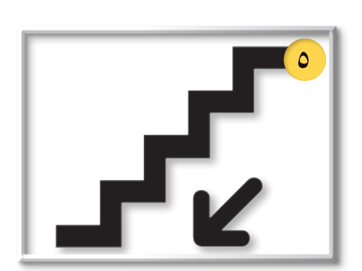
بالا ـ پایین ـ جلو ـ عقب ـ زیر ـ رو

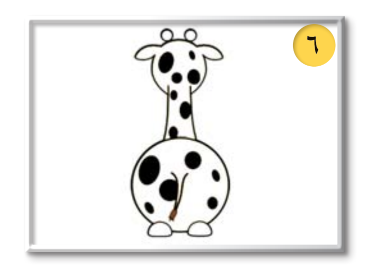
۱


۲


۳


٤


۵


٦


تمرين ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. مردم ایران از اقوام مختلفی تشکیل شده است.
۲. در کوهستان هوا بسیار سرد است.
۳. استان خراسان در شمال شرقی کشور است.
٤. شما به چه لهجه ای صحبت می کنید؟
٥. استان گیلان از استانهای سرسبز است.

٦. تقع محافظة خراسان في الشمال الشرقي للبلد.
٧. الشعب الايراني يتكون من عدة قوميّات.
٨. محافظة كيلان من المحافظات المخضوضرة.
٩. الجو قارس في الجبال.
١٠. بأي لهجة تتحدثون؟

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. مردم ما با زبان فارسی صحبت می کنیم. ____________________
۲. در زمستان هوا بسیار سرد است. ____________________
۳. استان مازندران منطقه ای بارانی هستند. ____________________
٤. در کویر هوا بسیار سرد و مرطوب است. ____________________
٥. مرقد امام هشتم در مشهد هستند. ____________________
٦. خلیج فارس در شمال ایران است. ____________________
٧. هیچ گیاهی در کوی‌ر نمی رویند. ____________________
٨. مردم جنوب کشـــور اغلب به زبان عربی صحبت می کند. ____________________

____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

استان	الحضارة
قرارداد	الطقس
خشک	محافظة
پرسش	یقع
سرد	بارد
آب و هوا	الجاف
تمدن	العبادة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

شمال ________	غرب ________
بسته ________	جنوب ________
بسیار ________	باز ________
شرق ________	مرطوب ________
خشک ________	اندک ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. غرب : ________________________

۲. جنوب: ________________________

۳. باران می بارد : ________________________

۴. تشکیل می شود ________________________

۵. مردم : ________________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. مردم ـ غرب ـ صحبت ـ لهجه ـ به ـ در ـ می کنند ـ کشور ـ کردی. ________________

____

۲. رفتیم ـ به ـ مرقد ـ بار ـ زیارت ـ یک ـ هشتم ـ امام. ________________

۳. می بارد ـ شمال ـ باران ـ زیادی ـ کشور. ________________

٤. ایران ـ دارد ـ فارس ـ جنوب ـ خلیج ـ قرار ـ سرد. ________________

۵. گیاهی ـ در ـ هیچ ـ نمی روید ـ کویر. ________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: در مرکز ایران چند ______ وجود دارد. ______ به مناطقی گفته می شود که ______ و هوای ______ و خشک دارد و ______ گیاهی در آنجا ______ .

حسن: ______ یعنی جایی که ______ و هوا ______ و خشک است.

محسن: ایران از ______ آب و هوا ______ متنوع است.

محسن: اختلاف ______ در مناطق مختلف ______ ایران به ۴۰ ______ سانتی گراد می رسد. کشور ما ______ فصلی است.

حسن: کشور ______ چهار فصل دارد.

محسن: ایران دارای تاریخ ______ هشت ______ ساله است.

محسن: ایرانیان در ______ تاریخ همواره ______ توحید پرست بوده اند.

«المفعول»

كما ذكرنا في موضوع الفعل المتعدي فإنه هو الفعل الذي يحتاج إلى مفعول كما يوجد في العربية. و المفعول في الفارســية ما يأتي جواباً لسـؤالين «چه چیزی را؟» (ماذا؟) و «چه کسی را؟» (مَن؟) و كما يظهر من المثالين فعلامة المفعول حرف «را» في الفارسية و يجب ذكر هذا الحرف بعد المفعول.

أمثلة:

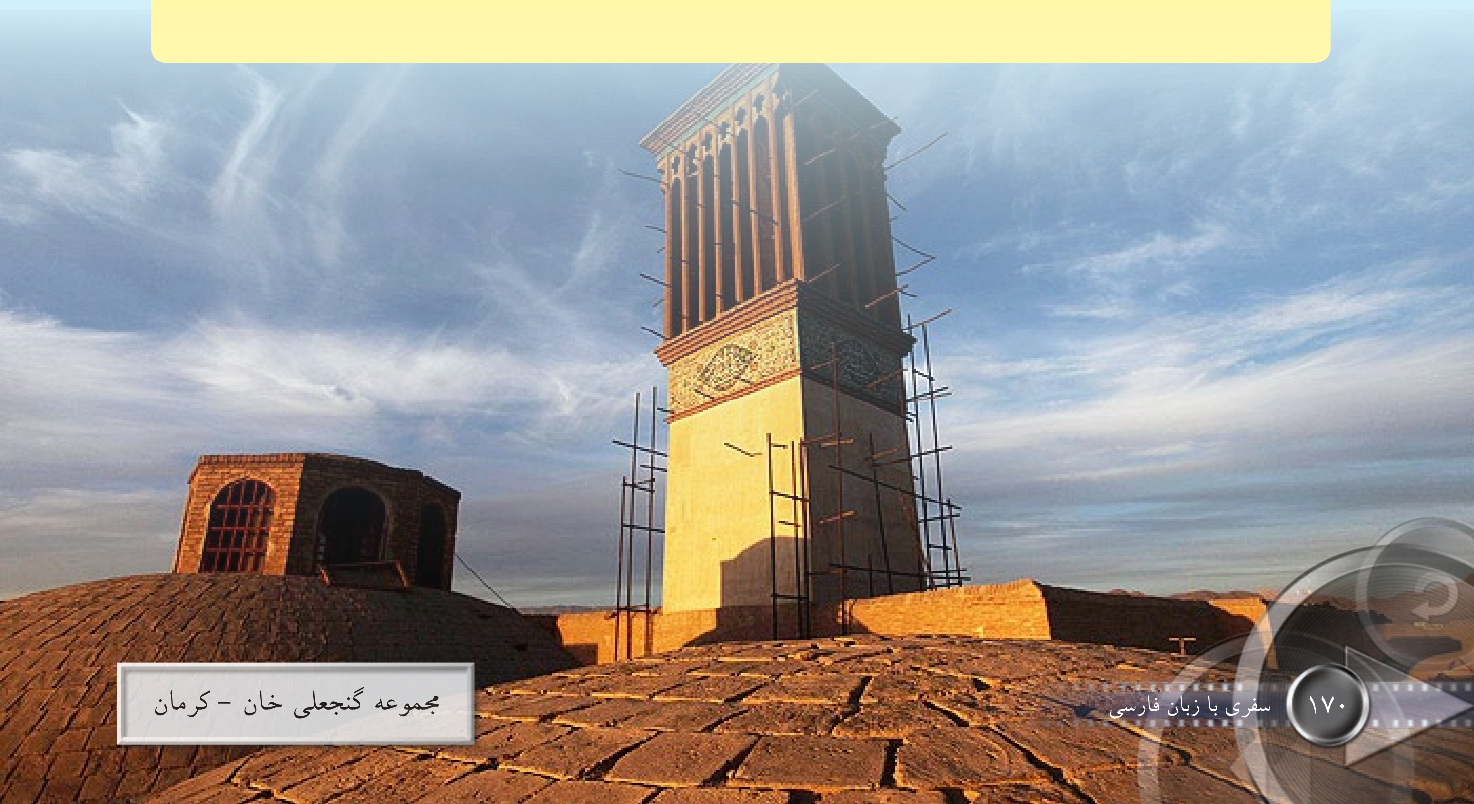
١ ـ غذا را خوردم. (اكلت الطعام.)

٢ ـ علی را در کتابخانه دیدم. (رأيت علياً في المكتبة.)

٣ ـ آیا درست را خوانده ای؟ (هل قرأتَ درسَكَ؟)

۴ ـ این کتاب را نمی خواهم. (لا أريد هذا الكتاب.)

۵ ـ این فیلم را می بینید؟ (هل تشاهدون هذا الفلم؟)



مجموعه گنجعلی خان – کرمان


درس سی و هشتم





واژگان درس

حلیم :	هريسة	نمک :	ملح
شکر :	سكر	اولین :	الأول
قاشق :	ملعقة	داروخانه :	صيدلية
دومین :	الثاني	برنده :	الفائز
دارو :	الدواء		
مزه :	طعم		
مقوّی :	مُغذّي		

ساختارهای گفتاری درس

آلاچیق :	بيت خشبي في الحديقة
باید امتحان کند :	عليه أن يجرّب
اجرا می کنیم :	ننفّذ
ورزیده شود :	يتروّض
ترجیح می دهم :	أفضّل
بچشد :	أن يذوق / يتذوّق
تبدیل شود :	تتحوّل
خوشش می آید :	يعجبه

گفتگوی اول

آلاچیق

پدر: اسم این غذا حلیم است.

حسن: حلیم در زبان فارسی یعنی چه؟

محسن: در زبان فارسی دو معنا داد.

مادر: حلیم یعنی همین که می بینی یک غذای خوش مزه و مقوی .

محسن: اما معنای دوم مثل عربی یعنی بردبار.

حسین: من دوست دارم حلیم را با شکر بخورم.

محسن: اما من دوست دارم حلیم را با نمک بخورم.

پدر: من هم با شکر دوست دارم و هم با نمک.

مادر: اما معمولاً حلیم را با شکر می خورند. حسن آقا شما چطور؟ دوست داری حلیم را با نمک بخوری یا با شکر؟

محسن: حسن باید امتحان کند. او باید یک بار با یک قاشق حلیم را با نمک بچشد و بار دیگر یک قاشق حلیم را با شکر بچشد تا بفهمیم از کدام مزه خوشش می آید.

گفتگوی دوم

مسابقه

محسن: برای اینکه محیط را از حال آموزشی خارج نکنیم یک مسابقه اجرا می کنیم.

حسن: آخ جون مسابقه، من خیلی مسابقه دوست دارم.

مادر: حالا مسابقه ات چیست؟

محسن: من یک کلمه می گویم و هر کدام از شما یک کلمه به آن اضافه کنید تا به جمله ای مناسب تبدیل شود.

حسن: ما باید کلمه ای به آن اضافه کنیم؟

محسن: بله. اولین کلمه را چه کسی می گوید؟

مادر: اولین کلمه را من می گویم. داروخانه.

پدر: این داروخانه

حسین: از این داروخانه

محسن: من از این داروخانه دارو ...

مادر: من از این داروخانه می خرم.

پدر: دومین کلمه را من می گویم. بدن

مادر: بدن ورزشکاران

محسن: بدن ورزشکاران با ورزش

حسن: بدن ورزشکاران با ورزش ورزیده می شود.

حسین: درسته، حسن آقا برنده شد.

درک مطلب

۱. نام غذا چه بود؟

۲. دو معنای آن اسم در فارسی چیست؟

۳. محسن دوست دارد حلیم را چگونه بخورد؟

٤. پدر با شکر یا با نمک دوست دارد حلیم بخورد؟

۵. اولین کلمه را در مسابقه چه کسی گفت؟

٦. آن کلمه چه بود؟

۷. چه کسی برنده جمله دوم شد؟

۸. در مسابقه به هر کلمه چند کلمه اضافه می کنند؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. من از این روش خوشم نمی آید. (لا یعجبني هذا المنهج.)

۲. آیا امتحان کرده اید؟ (هل جرّبتَ؟)

۳. این عدد را به عدد قبلی اضافه کن. (أضف هذا العدد إلی العدد السابق.)

٤. طعم این میوه تلخ است. (طعم هذه الفاکهة مُرّ.)

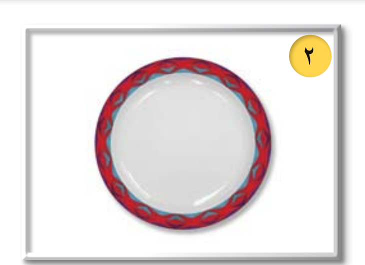
۵. در مسابقه شرکت کردم. (شارکت في المسابقة أو المباراة.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

قاشق ـ چنگال ـ چاقو ـ بشقاب ـ لیوان ـ کاسه

۱


۲


۳


٤


۵


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

١. من از این داروخانه دارو خریدم.	٦. أنا أحبّ المسابقة کثیراً.
٢. این لباس را امتحان کن.	٧. إشتریت الدواء من هذه الصیدلیة.
٣. آفرین مادر برنده شد.	٨. آکل الطعام مع الملح.
٤. من غذا را با نمک می خورم.	٩. جرّب هذا اللباس.
٥. من خیلی مسابقه دوست دارم.	١٠. أحسنت، فازت الأمّ.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

١. حسن این غذا را بسیار دوست دارم. ______

٢. بدن ورزشکاران با ورزش قوی می شوند. ______

٣. با گذشت زمان زندگی انسانها تغییر کرده هست. ______

٤. این کلمه را به جمله اضافه کن. ______

٥. او تنها یک قاشق از غذا را خوردند. ______

٦. ما به دلیل تنبلی از خودرو استفاده می کنم. ______

٧. حسن در هواپیما روی صندلی نشسته است. ______

٨. من دوست دارم به شیراز سفر کنیم. ______

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

دل تنگی	کسول
بازگشت	لیت
ای کاش	شنطة
تنبل	نشیط
ساک	الرجوع
یادگرفتی	تعلّمت
زرنگ	الضجر

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

زرنگ ________	برگشتن ________
نشسته ________	ایستاده ________
پیاده ________	سواره ________
رفتن ________	تنبل ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. اســتفاده می کنیم: ________________

۲. خودرو: ________________

۳. برگشتیم : ________________

۴. داروخانه : ________________

۵. تنبل : ________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. کاش ـ سفر ـ بازگشت ـ می کردم ـ شیراز ـ از ـ به ـ ای ـ پیش ______________________

____

۲. دلم ـ خانواده ـ شده ـ برای ـ تنگ ـ است. ______________________

۳. گرفته ای ـ را ـ تصمیم ـ آیا ـ خود؟ ______________________

٤. می کنیم ـ ما ـ خودرو ـ پیاده ـ از ـ به جای ـ روی ـ استفاده. ______________________

۵. می آید ـ غذا ـ مزه ـ این ـ از ـ خیلی ـ خوشم. ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: إن شاءالله ______ ساعت دو بعد از ظهر با ______ به اصفهان ______ رفت .

حسن: ______ ما ساعت دو به اصفهان ______ رفت؟!

محسن: بله.

حسن: اما ______ ما که بلیط ______ .

محسن: بلیط هم ______ الآن ______ شو برویم ساکهایمان را ______ .

حسن: بله ما باید الآن ______ را ______ اما ما به ______ می رویم یا به ______ می رویم؟

محسن: ما از ______ به ______ می رویم.

حسن: آخ ______ ما هم به ______ و هم به ______ می رویم.

محسن: اما باید بلیط ______ .

«ظرفا الزمان و المكان»

بما أن أقسام المفاعيل غير المفعول به لا توجد الفارسية بنفس المصطلح فانّ ظرف الزمان و المكان يُسميان «قيد زمان» و «قيد مكان» و الأول هو الاسم الذي يدل على الوقت و الزمن مثل: اكنون (الآن) فردا (غداً) ديروز (أمس) و ...

و الثاني دائماً يأتي مع حرف «در» و هو بمعنى في

مثل: در خانه (في البيت) ـ در خيابان (في الشارع) ـ در ورزشگاه (في الملعب) و بما أنّ الفعل في الجمل الفارسية يأتي في آخر الجملة فانهما يقدّمان على الفعل و فاعله كما هو الامر بالنسبة إلى المفعول به الآنف ذكره.

أمثلة:

١ ـ من فردا امتحان دارم. (عندي امتحان غداً.)

٢ ـ ديروز على را ديدم. (رأيت علياً أمس.)

٣ ـ روزنامه را در كتابخانه خواندم. (قرأت الصحيفة في المكتبة.)

۴ ـ شب را در هتل گذرانديم. (قضينا الليلة في الفندق.)

۵ ـ امروز تكاليفمان را در مدرسه انجام داديم. (قمنا باداء واجباتنا اليوم في المدرسة.)



قبرستان تانک ها – در نزدیکی شهرک سینمایی – تهران



درس سی و نهم

۳۹ دفتر خدمات مسافری



واژگان درس

چشم :	عین	مرخصی :	إجازة
باز کن :	إفتح	محل کار :	دائرة أو محل العمل
کاش :	لیت	تحمل نمی کند :	لا یطیق
دوری :	الهجرة و الابتعاد		
تعارف :	مجاملة		
ببند :	أغمض		

ساختارهای گفتاری درس

دفتر خدمات مسافری :	مکتب السفریات
برای چه تاریخی می خواهید؟ :	لأي موعد تریدون؟
سفر خوبی داشته باشید :	إن شاءالله بالسلامة
خوش بگذرد :	إن شاءالله رحلة ممتعة
کاش با ما می آمدید :	یا لیتکم ترافقوننا
محبت زیاد :	الحب الشدید
دیر می شود :	یسبّب التاخیر
این یک تعارف است :	هذه مجاملة.



در دفتر خدمات مسافری

محسن: چشمهایت را ببند ما به دفتر خدمات مسافری می رویم.

حسن: می خواهیم به اصفهان برویم یا به دفتر خدمات مسافرتی؟

محسن: چشمهایت را باز کن.

حسن: ما چطور اینجا آمدیم.

محسن: این مهم نیست، مهم این است که ما می خواهیم به مسافرت برویم و باید بلیط تهیه کنیم.

حسن: سلام

کارمند: سلام بفرمائید، در خدمتتان هستم.

حسن: ببخشید دو تا بلیط می خواهم.

کارمند: بلیط قطار یا اتوبوس یا هواپما یا کشتی؟

حسن: بلیط هواپیما می خواهم.

متصدی: بله چشم، برای چه تاریخی می خواهید؟ و به کجا؟

حسن: برای امروز به اصفهان و شیراز .

گفتگوی دوم

در سفر

پدر: إن شاءالله سفر خوبی را داشته باشید و به شما خوش بگذرد.

حسن: خیلی ممنون، کاش شما هم با ما می آمدید.

پدر : دوست داشتیم بیائیم اما من نمی توانم از بیمارستان مرخصی بگیرم. حسین آقا هم کلاس کنکور می رود. مادر هم بدون من به سفر نمی رود.

حسین: بله ما دوست داشتیم با شما بیائیم. اما من کلاس کنکور می روم.

مادر: من بدون علی آقا به سفر نمی روم. علی آقا هم نمی تواند از محل کار خود مرخصی بگیرد.

محسن: محل کار یعنی جایی که انسان در آنجا کار می کند.

حسن: چرا مادر بدون پدر به سفر نمی رود؟

محسن: چون مادر پدر را خیلی دوست دارد و نمی تواند دوری او را تحمل کند.

حسن: دوری یعنی چه؟

محسن: دوری یعنی «ترکه » و «هجرته».

حسن: این خیلی خوب است.

پدر: البته من هم بدون زهرا خانم به مسافرت نمی روم.

حسن: این یعنی محبت زیاد.

محسن: خوب خداحافظ ما باید برویم چون دیر می شود.

درک مطلب

۱. حسن و محسن به کجا رفتند؟

۲. حسن با چه کسی صحبت کرد؟

۳. بلیط چه وسیله ای را می خواست؟

٤. برای چه شهری و چه تاریخی؟

۵. چرا پدر همراه آنها نمی رود؟

٦. حسین به چه کلاسی می رود؟

۷. چرا مادر همراه آنها نمی رود؟

۸. چه کسی نمی تواند مرخصی بگیرد؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. من در مرخصی هستم.	(أنا في اجازة)
۲. نمی توانم شما را همراهی کنم.	(لا أستطيع أن أرافقكم.)
۳. دیر کردیم.	(تأخّرنا)
٤. با چه وسیله ای سفر می کنید؟	(بأي وسيلة تسافرون؟)
٥. سفرتان چقدر طول می کشد؟	(كم تستغرق رحلتكم؟)

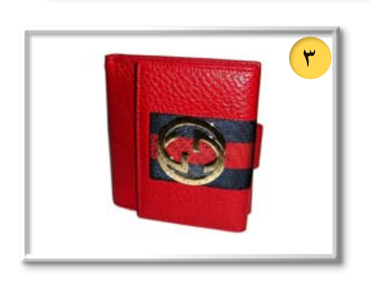
نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

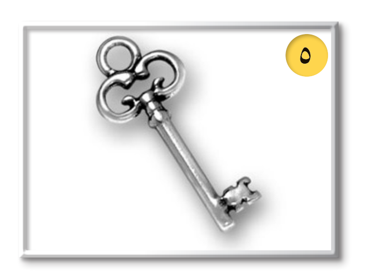
ساک ـ چمدان ـ کیف پول ـ عینک ـ کلید ـ کلاه

۱


۲


۳


٤


٥


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. برای چند نفر بلیط می خواهید؟	٦. رجاءً قدّموا وثائق هويتكم.
۲. لطفاً اوراق شناسایی خود را بدهید.	۷. أتمنى لكم رحلة ممتعة.
۳. سفر خوبی را برای شما آرزو می کنم.	۸. لكم شخص تريدون التذكرة؟
٤. برای رفتن به خانه تاکسی بگیرید.	۹. تعلّمتُ منكم تصرفات غريبة.
۵. من از شما کارهای عجیبی یاد گرفتم.	۱۰. إستقلّوا سيارة اجرة للذهاب إلى البيت.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. کاش شما هم با ما می آمدند. ____________________

۲. محسن نمی تواند از محل کار خود مرخصی بگیرم. ____________________

۳. ما باید برویم چون دیر می شویم. ____________________

٤. مراقب خودتان باشیم. ____________________

۵. دوست داشتیم شما ما را همراهی می کردیم. ____________________

٦. آنها برای چند نفر بلیط می خواهید. ____________________

۷. من پاسپورت داریم. ____________________

۸. بیا سوار تاکسی شویم. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

کشتی	مجاملة
نفر	یعمل
مرخصی	سفینة
سفر	صَبّ / سکب
تعارف	شخص
کار می کند	اجازة
ریخت	رحلة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

عجیب ________ زود ________

دور ________ نزدیک ________

دیر ________ زشت ________

خوب ________ بد ________

زیبا ________ عادی ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. مرخصی : ________

۲. تنها : ________

۳. کار می کند : ________

٤. تحمل می کنم : ________

۵. باید : ________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. سفر ـ خوش ـ امیدوارم ـ بگذرد ـ در ـ این ـ شما ـ به. ______________________

۲. برای ـ به ـ تاکسی ـ می گیرم ـ رفتن ـ خانه. ______________________

۳. باشیم ـ ممکن ـ چطور ـ زودی ـ رسیده ـ است ـ به ـ این. ______________________

٤. دوری ـ نمی توانیم ـ را ـ کنیم ـ ما ـ شما ـ تحمل. ______________________

۵. یاد ـ سفر ـ در ـ چیز ـ می گیریم ـ های ـ زیادی. ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: خداحافظ ما ______ برویم چون ______ می شود.

مادر: ______ ، مراقت خودتان ______ .

حسن: چرا مادر روی ______ آب ______ ؟

محسن: این یک ______ قدیمی است، مسافر را از ______ قرآن رد می کنند و پشت سر مسافر آب ______ برای اینکه او ______ به خانه برگردد.

حسن: رسم ، آیین قدیم، کهن ______ پس آب ______ پشت سر مسافر یک رسم قدیمی است.

محسن: بله ______ .

حسن: ما به ______ می رویم با ______ به اصفهان ______ کنیم.

«الصفات المركبة»

هناک في الفارسـية صفات بسـيطة بمعنى أنها ذات جزء واحد. مثل : كوشـا (السـاعي) ـ سخت (صعب) ـ آسـان (سهل) ـ تنبل (كسول) و هناک صفات مركبة تتكون من جزئين . مثل: باهوش (ذكي) ـ باادب (مهذّب) بافرهنگ (مثقف) ـ باسواد (متعلّم)

فإنّ «با» في هذه الصفات تعني واجد الشيء و صاحبه.

و مثل :بی سواد (أمّي) ـ بی دلیل (بلا سبب) ـ بی خبر (جاهل) ـ بينوا (مسكين)

و إن «بي» في هذه الصفات تعني فاقد الشـيء. و كذلـت كلمة «مند» في آخر بعض الاسماء بمعنى واجد الشيء. مثل دانشمند (العالم) ثروتمند (الثري) ـ سعادتمند (السعيد) ـ آرزومند (المتمنّي)

أمثلة:

١ ـ برادرم دانشجوی باهوشي است. (أخي طالب ذكيّ)

٢ ـ مردم شما بسيار بافرهنگ هستند. (شعبكم مثقّفون جدّاً.)

٣ ـ آيا شما باسواد هستيد. (هل أنتم متعلّمون؟)

۴ ـ همسايه ما مرد بينوايي است. (جارنا رجل مسكين.)

۵ ـ از ديدارتان سعادتمند هستم. (أنا سعيدٌ بلقائكم.)



قلعه فلک الافلاک – خرم آباد


درس چهلم

۴۰ اصفهان



واژگان درس

پرواز :	رحلة جوية	بار :	الشحن
باجه :	شبّاک	آباد :	عامر
دستور :	أمر	کلیسا :	کنیسة
ویژگی ها :	خصائص	پل :	جسر
پرسید :	سأل	سده :	قرن
مناره :	مئذنة	جنبان :	متحرک / مهتزّ

ساختارهای گفتاری درس

تحویل بدهیم	نودع / نقدّم
چرا صبر می کنیم	لماذا نتمهّل؟
آینه کاری	فن المرایا
مراجعه فرمائید	راجعوا
امور پروازی	اجراءات الطیران
بنابراین	بناءً علی هذا/ لذلک



سفر به اصفهان

صدا: لطفاً مسافرین محترم پرواز شماره ۷۴۸ به مقصد اصفهان جهت انجام امور پروازی و تحویل بار به باجه شماره ۴ مراجعه فرمائید.

محسن: تحویل بار یعنی همه آنها را تحویل بدهیم.

حسن: ما باید برای تحویل بار و انجام امور پروازی به باجه شماره ۴ مراجعه کنیم.

محسن: اما کمی صبر کن.

حسن: چرا کمی صبر کنیم؟ ما منتظر کسی هستیم؟

محسن: ما منتظر کسی نیستیم.

صدا: آقایان حسن عبدالله و محسن ایران منش هر چه زودتر به باجه شماره ۴ مراجعه کنند.

حسن: آقا به شهر اصفهان رسیدیم؟

گفتگوی دوم

در اصفهان

حسن: باید تاکسی بگیریم تا به هتل برویم.

محسن: بله درست است.

حسن: سلام آقا

مسئول: بله سلام بفرمائید. تاکسی می خواهید؟

حسن: بله می خواهیم اول در شهر اصفهان گردش کنیم و بعد به هتل برویم.

مسئول: حتماً.

محسن: قدمت اصفهان به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می رسد.

محسن: قدمت یعنی «تأریخها».

محسن: از سال ۵۵۰ پیش از میلاد مسیح یعنی در دوره هخامنشی شهراصفهان منطقه آباد و مهمی از ایران بوده است.

حسن: آباد یعنی چه؟

محسن: آباد یعنی «عامرة».

محسن: حالا چشمانت را ببند تا به مسجد جامع اصفهان برویم. حالا باز کن.

حسن: وای چقدر باشکوه است!!

محسن: این مسجد در سده پنجم هجری قمری ساخته شده یعنی تقریباً هزار سال پیش .

درک مطلب

۱. شماره پرواز به اصفهان چند بود؟

۲. مسافران باید به باجه شماره چند مراجعه کنند؟

۳. چه چیزی را باید تحویل بدهند؟

٤. با چه وسیله ای در شهر اصفهان گردش کردند؟

٥. قدمت اصفهان به چه زمانی برمی گردد؟

٦. در دوران هخامنشی اصفهان چگونه منطقه ای بوده است؟

۷. به چه مسجدی رفتند؟

۸. این مسجد چه وقت ساخته شده است؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. می خواهیم به بازدید آثار باستانی برویم. (نريد أن نذهب لزيارة المعالم الأثرية.)

۲. این مسجد در چه زمانی ساخته شده است؟ (في أي عصر بُني هذا المسجد؟)

۳. بارهایمان را کجا باید تحویل بدهیم؟ (أين يجب أن نودع حقائبنا؟)

٤. ما منتظر شما هستیم. (نحن بإنتظاركم.)

٥. به کدام باجه مراجعه کنیم؟ (إلى أي شبّاك نراجع؟)

نام ها و تصاویر

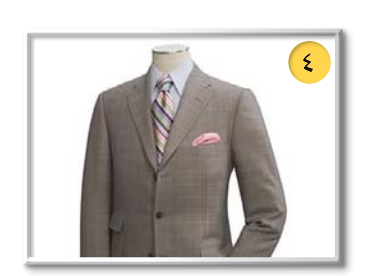
نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

کت ـ شلوار ـ پیراهن ـ جلیقه ـ کفش ـ ژاکت

۱


۲


۳


٤


٥


٦


تمرین ها

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

۱. این مغازه تکان می خورد.
۲. ویژگی های این شهر چیست؟
۳. باید ابتدا به هتل برویم.
۴. آیا در اصفهان ابنیه تاریخی دیگر وجود دارد؟
۵. حالا چشمانت را باز کن.

٦. لابدّ أن نذهب إلی الفندق أوّلاً.
٧. ما هي خصائص هذه المدينة؟
٨. والآن افتح عينيک.
٩. هل هناک في اصفهان معالم تأريخية أخری؟
١٠. هذه المئذنة تهتزّ.

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. این مسجد هزار سال پیش ساخته بوده است. ____________________
۲. از روی پل خواجو حرکت کردم. ____________________
۳. ما گرسنه هستیم. ____________________
۴. ببخشید شما کجا تشریف می برند؟ ____________________
۵. این فرم را برای من پر کنید. ____________________
٦. کاخ چهل ستون چقدر زیبایی. ____________________
۷. ایرانیان از قدیم برای تمام ادیان الهی احترام قائل بود. ____________________
۸. هنرمندان در و دیوار و سقفها را نقاشی کرد. ____________________

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

ساخت	مئذنة
دهه	عقد
مناره	بنی
خسته	يهتزّ
کلیسا	کنيسة
سده	قرن
تکان می خورد	متعب
ویژگی	ميزة

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

دارد ________	خالی ________
پر ________	ندارد ________
داشتن ________	نمی شود ________
می شود ________	نداشتن ________

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. تکان می خورد ________________
۲. دهه : ________________
۳. داشته باشیم : ________________
۴. گفتند : ________________
۵. برود : ________________

تمرین ها

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. در ـ منار ـ شده ـ جنبان ـ است ـ سال ـ ۷۱۶ ـ ساخته. ______________________

۲. نیستید ـ است ـ گرسنه ـ عجیب ـ شما ـ خیلی؟ ______________________

۳. بستم ـ می توانیم ـ جای ـ من ـ دیگری ـ به ـ را ـ چشمانم ـ برویم. ______________________

____

٤. بودند ـ الهی ـ قائل ـ ایرانیان ـ ادیان ـ برای ـ احترام . ______________________

٥. عبادت ـ عیسی (ع) ـ کلیسا ـ پیروان ـ محل ـ یعنی . ______________________

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: آن ______ عرب تصور می کرد که تو ______ هستی.

حسن: بله او تصور می کرد که من ______ هستم. من ______ هم ______ نمی شد که ______ او شده ام.

محسن: بله ______ هست.

محسن: تو ______ می کردن که ______ زبان ______ را یاد ______ .

حسن: بله من ______ داشتم ______ خوبی دارم.

محسن: بله خیلی ______ است حالا تو به من بگو زبان فارسی ______ است.

دستور زبان

«النکرة و المعرفة»

يطلق على الاسم في الفارسية بانه نكرة اذا لم يكن معروفاً لدى السامع كاسماء الاشخاص و الاماكن والبلدان و ... كما هو المصطلح في العربية. أمّا علامة الاسم النكرة أن يزاد «ى» في آخره مثل: مردی (رجلٌ) ـ کتابی (کتابٌ) ـ شهری (مدينة) و لا يمكن الاشارة إلى الاسم النكرة.

أمثلة :

١ ـ مردی شتابان آمد. (جاء رجلٌ مُسرعاً.) (نکره)

٢ ـ کتابی را خواندم. (قرأت کتاباً.) (نکره)

٣ ـ حسن دوست من است. (حسنٌ صديقي.) (معرفه)

۴ ـ آن کتاب را به من بده. (أعطني ذلک الکتاب.) (معرفه)

۵ ـ این شهر را می شناسم. (أعرف هذه المدينة.) (معرفه)



نمایی از شهر تهران





اشتیاق فراوان برای آشنایی با زبان فارسی و فراگیری آن به عنوان دومین زبان فرهنگی جهان اسلام، موجب روی آوردن بسیاری از گویشوران دیگر زبانها به آن گردیده است. برای برآوردن این نیاز به کار گیری فناوری های نوین آموزشی امری بایسته و در خور توجه است.

کتاب فیلم «سفری با زبان فارسی» کوشیده است تا با همراه ساختن روش های دیداری – شنیداری با بهره گیری از ساختار های آموزش زبان به این مهم دست یافته، بسته ای آموزشی را برای عرب زبانان علاقه مند به یادگیری زبان فارسی فراهم آورد. تلاش حاضر دستاورد همکاری مؤلف با شبکه جهانی الکوثر از شبکه های پیشتاز فرهنگی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است.





الدكتور مسعود فكري

أستاذ جامعي، باحث آكاديمي وناشط ثقافي تخرّج في الماجستر في الشريعة الإسلامية والدعوة ثم في الماجستر في اللغة العربية. حصل على شهادة الدكتوراه في الفلسفة إضافة إلى قبوله في الأدب العربي في نفس المستوى. بذل جهوده لتعليم اللغة العربية وتطوير المناهج التعليمية لها على مدى عقدين.

من إنجازاته في هذا المجال: «صدى الحياة»، «ندى الحياة»، «شذى الحياة»، «شاهد وتعلّم» و... .

الكوثر